

جایگاه قواعد حقوق رقابت در قراردادهای انتقال و اجازه بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی

(مطالعه تطبیقی در حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران)

سعید حبیب^{۱*}؛ محمدهادی میرشمسی^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. پژوهش‌گر مؤسسه حقوق تطبیقی

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۱۴؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۱/۱۸)

چکیده

در یک نگاه سطحی چنین به نظر می‌رسد که داشتن حق انحصاری با رقابتی بودن بازار در تضاد بوده، اعمال این حق امکان رقابت و تجارت آزاد را از بین خواهد برد. لکن واقعیت این است که وجود انحصار نه تنها همواره ناقض حقوق رقابت و مضر به تجارت نیست، بلکه در برخی موارد در تعامل با قواعد حقوق رقابت بوده و جمع این دو منافع تجاری و اقتصادی جوامع و همچنین رفاه اجتماعی را بهتر و بیش‌تر تأمین می‌نماید. حق انحصاری ناشی از حقوق مالکیت فکری فی نفسه با حقوق رقابت در تعارض نبوده و در واقع سوءاستفاده صاحبان این حقوق در اعمال آن مخل رقابت است. بنابراین کنترل و نظارت حقوق عمومی بر حقوق انحصاری افراد به منظور حفظ و اجرای مقررات رقابتی ضروری می‌نماید. در این راستا، پاره‌ای از شروط مندرج در قراردادهای ناظر بر حقوق مالکیت صنعتی از جمله قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» به دلیل نقض حقوق رقابت بلااثر می‌باشند.

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت فکری، حقوق رقابت، قرارداد انتقال، قرارداد اجازه بهره‌برداری، شروط قراردادی ناقض حقوق رقابت.

مقدمه

قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی از لحاظ ماهوی علاوه بر لزوم تطابق با شرایط عمومی قراردادهای مذکور در قانون مدنی، باید از موازین حقوق رقابت نیز تبعیت کنند. در مواقعی که پدیدآورنده اثر فکری اعم از ادبی - هنری و صنعتی خود شخصا قادر و یا مایل به استیفای حق خویش نیست، با انعقاد قراردادهایی مثل «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» اعمال حق خویش در خصوص بهره‌برداری از حق مالکیت فکری را به دیگری واگذار می‌کند. در واقع، انعقاد این قراردادهای راهی برای تجاری سازی پدیده فکری و ورود آن به صنعت و جامعه می‌باشد. به عنوان مثال، منتقل الیه یا دارنده جواز در قرارداد «انتقال» یا «اجازه بهره‌برداری» از اختراع ثبت شده در چارچوب توافق موجود به تولید یا توزیع کالا اقدام کرده، از یک سو جامعه را از اختراع فن‌آوری بهره‌مند ساخته و از سوی دیگر با کسب درآمد باعث بازگشت سرمایه‌ای می‌شود که در راستای تحقیق و پژوهش مربوط به ابداع، هزینه شده است.

با توجه به گسترش صنعت و افزایش دامنه تبادلات کالا و خدمت چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، انتقال مالکیت فکری اثرات مثبت اقتصادی دارد و در عین حال به دلیل وجود حق بهره‌برداری انحصاری برای صاحب حقوق مالکیت فکری، ممکن است که انعقاد قراردادهای مربوط به انتقال این حقوق اثرات سوء بر رقابت داشته باشد که در این حال دخالت مجریان و ناظران حقوق رقابت و اتخاذ تصمیم مقتضی به منظور جلوگیری از نقض موازین رقابتی ضروری است.

در این مقاله قبل از بررسی لزوم تبعیت قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی از قواعد حقوق رقابت، رقابتی و انحصاری بودن بازار و یکسانی هدف حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت را در بخش نخست مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در ادامه، اثر موازین حقوق رقابت را در قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی در حقوق اتحادیه اروپا بررسی کرده، سپس در بخش سوم موضوع را در حقوق ایران با عنایت به قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام مطالعه خواهیم کرد.

تعامل حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری

رقابت و انحصار در بازار

در اقتصاد مبتنی بر بازار^۱، شرکت‌ها در جذب هرچه بیش‌تر مشتری با یکدیگر رقابت می‌نمایند (سواریانس، ۱۳۸۶، ص ۸۱). طبق بند ۱۱ ماده ۱ قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهار قانون اساسی» رقابت عبارت است از «وضعیتی در بازار که در آن تعدادی تولید کننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید یا فروش کالا و خدمت فعالیت می‌کنند، به طوری که هیچ یک از تولید کنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را در بازار نداشته باشند یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد»^۲. رقابت از جمله نتایج سیر تحول و تکامل آزادی‌های اقتصادی بوده، در شرایطی به وجود می‌آید که تعداد فراوانی تولید کننده با توجه به موقعیت سیاسی، طبیعی و جغرافیایی بازار^۳ به دلیل فروش بیش‌تر و کسب سود بالاتر بر یکدیگر سبقت می‌گیرند (قنادان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵).

رقابت کامل نوعی از رقابت تجارتي بوده و به معنای شکلی از بازار است که هیچ کدام از عوامل اقتصادی، مسلط بر بازار نبوده و تعیین قیمت به وسیله تأثیر متقابل فروشندگان فراوانی است که آزادانه با یکدیگر به فعالیت می‌پردازند. از دید کلاسیک، رقابت کامل نازل‌ترین قیمت‌ها، افزایش عرضه و مناسب‌ترین منافع مصرف‌کنندگان را تأمین می‌کند (قنادان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵؛ عبادی، ۱۳۷۰، ص ۳۸)^۴. وقتی کالا یا خدمات در بازار با کیفیت بهتر و ارزان‌تر پیدا شود، فروشنده ناچار می‌شود، کیفیت کالاهای خود را بالا ببرد تا بتواند با آنچه که رقیب به بازار ارایه کرده است، مقابله کند. در نتیجه بهترین محصولات با نازل‌ترین قیمت‌ها در اختیار مصرف‌کننده قرار خواهد گرفت (سماواتی، ۱۳۷۴، ص ۱۸).

1. Market economy.

2. برای دیدن تعاریف دیگر «رقابت» مراجعه شود به معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، لایحه قانون رقابت؛ مبانی نظری و تجربه کشورها، ص ۲۸.

3. بند ۱ ماده ۱ قانون فوق در تعریف بازار مقرر می‌دارد: «بازار به فضایی جغرافیایی یا مجازی اطلاق می‌شود که در آن خریداران و فروشندگان، کالاها و خدمات مشابه یا جانشین نزدیک را مبادله می‌کنند. هم‌چنین رک: منبع پیشین، ص ۲۰.

4. برای دیدن شرایط و ویژگی‌های بازار رقابت کامل (رک: حشمت‌الله سماواتی، حقوق رقابت تجارتي و نقش آن در سیاست‌گذاری و تنظیم بازار، ص ۲۹).

هر چند بازار رقابت کامل بیش‌ترین منافع و رفاه اجتماعی را برای مصرف‌کنندگان تأمین می‌کند، ولی وجود چنین بازاری جنبه آرمانی و کم‌تر حالت واقعی دارد؛ از یک طرف سرشت انسان به گونه‌ای است که در صورت عدم وجود اهرم کنترل‌کننده اخلاقی و مذهبی، آنها را از یک سو به ایجاد کارتل‌ها^۱ و انحصارگری و بستن قراردادهای عمودی^۲ سوق می‌دهد و از سوی دیگر، آنان را ترغیب به سوءاستفاده از نتیجه زحمات و کار دیگر رقبا همچون نسخه‌برداری بدون اجازه از کار آنان می‌نماید (سماواتی، ۱۳۷۴، ص ۱۹).

از طرف دیگر، موانع بسیاری بر سر رقابتی بودن بازار در مفهوم واقعی آن وجود دارد. موانعی که باعث می‌شود، بازار به حالت رقابت ناقص و یا انحصار برسد. رقابت ناقص هنگامی در یک صنعت رواج می‌یابد که فروشندگان منفرد بر روی قیمت محصول خود تا حدی کنترل داشته باشند (ساموئلسن و هاوس، ۱۳۸۴، ص ۳۲۹). افراطی‌ترین مورد رقابت ناقص، انحصار فروش است، یعنی یک فروشنده با کنترل کامل بر روی یک صنعت، انحصارگر تنها بنگاه تولیدکننده در صنعت خود بوده و صنعت تولیدکننده کالای جانشین نزدیک به آن وجود ندارد (همان).

طبق بند ۱۲ ماده ۱ قانون مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، انحصار چنین تعریف می‌شود: «وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد، یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد». در این حالت از بازار، تمامی عرضه و تقاضای کالاها تحت کنترل عامل یا عاملان معینی قرار دارد و عرضه کالا متضمن بالاترین سود برای عرضه‌کننده است. انحصارگر به طور معمول آن مقدار از کالا را عرضه می‌کند که بیش‌ترین فایده را با توجه به تقاضای موجود در بازار در برداشته باشد. وی می‌تواند

۱. کارتل به مجموعه‌ای از بنگاه‌ها اطلاق می‌شود که به منظور افزایش سود مشترک خود در زمینه‌های مختلف همچون سطح تولید، قیمت، میزان سرمایه‌گذاری و تبلیغات توافق می‌کنند و از طریق اقدامات مشترک مانع ورود سایر رقبا به بازار می‌شوند. دلیل اصلی بنگاه‌ها برای همکاری، اتلاف و تشکیل کارتل، کسب سود بیش‌تر می‌باشد: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (همان، ص ۶۰).

۲. قراردادهای عمودی (Vertical Agreements) مابین تولید کنندگان و عرضه کنندگان کالاها در درجات متفاوت (غیرهم سطح) و در زنجیره توزیع و پخش صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، اینگونه قراردادهای، قراردادهایی هستند که بین تولیدکننده و توزیع‌کننده کالاهایی بسته می‌شود که بر رقابت موجود در بازار تأثیر می‌گذارد: (سماواتی، همان، ص ۴۶).

مناسب‌ترین قیمت‌ها را انتخاب کند و با دستکاری یا ازدیاد قیمت و محدودیت تولید، از انحصار برای تولید کم‌تر و سود بیش‌تر و در نتیجه تحمیل قیمت و اجحاف نسبت به مصرف‌کنندگان استفاده کند (قنادان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱) و از آنجایی که در بازار با انحصار کامل^۱، رقیب دیگری برای تولیدکننده منحصر به فرد وجود ندارد، او برای تعیین سطح تولید و قیمت آزادی عمل دارد (عبادی، ۱۳۷۰، صص ۴۱ و ۹۱).

ورود به بازار انحصاری کامل برای تولیدکنندگان دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد و راه‌های مختلفی که این ورود را غیرممکن می‌سازد، می‌تواند اقتصادی یا غیراقتصادی باشد (عبادی، ۱۳۷۰، ص ۹۱).

یکی از عواملی که باعث شکل‌گیری بازار انحصاری و مانع ورود دیگران به بازار می‌شود، عامل قانونی است: گاهی امتیازهای قانونی نصیب بعضی از تولیدکنندگان می‌گردد که آنها را قادر می‌سازد که از یک قدرت انحصاری برخوردار گردند. اعطای حقوق انحصاری ناشی از مالکیت فکری از این جمله است (قنادان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱؛ عبادی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵؛ پل سامولسن و هاوس، ۱۳۸۴، ص ۳۴۱).

البته توجیه اعطای این گونه امتیازها این است که اعطای آن باعث تشویق نوآوری و ابداع می‌گردد، زیرا نوآوران و ابداع‌کنندگان می‌دانند که نتیجه کارشان فقط و منحصر در اختیار خود آنها خواهد بود (عبادی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵). در واقع، دولت‌ها برای تشویق فعالیت مبتکرانه، حقوق انحصاری اعطا می‌کنند. بدون امید به وجود این حق انحصاری ممکن است یک شرکت یا مخترع نسبت به اختصاص وقت و منابع خود برای تحقیق و توسعه خشنود نباشد (سامولسن و هاوس، ۱۳۸۴، ص ۳۴۱).

به هر حال، امتیازها و حقوق مخصوصی که نصیب عده‌ای از طریق قانون می‌گردد، راه ورود سایرین را می‌بندد و به کسانی که این امتیاز را دریافت داشته‌اند، یک قدرت انحصار می‌دهد (عبادی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵).

هر چند امروزه انحصارات عموماً با حمایت دولت موجودیت می‌یابند، اما به ندرت می‌توان شاهد انحصار حقیقی بود، ضمن اینکه در اقتصاد به شدت رقابتی امروز حتی انحصارگران تحت حمایت نیز باید مقررات رقابت را در نظر بگیرند (همان، ص ۳۳۲).

همسویی اهداف حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری

نظر به اینکه در تمام نظام‌های حقوقی بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، اصل مالیت پدیده‌ها و آفرینش‌های فکری پذیرفته شده و برای دارنده این مال عرفی، حق مالکیت مقرر شده است، وجود حق انحصاری ناشی از این حق مالکیت، برای دارنده آن مقبول همگان است و فرد صاحب حق با استناد به وجود این انحصار می‌تواند در ملک خویش (پدیده فکری) تصرف معقول و قانونی نموده و دیگران را از تصرف در آن باز دارد.

شخصی که اختراع یا علامت یا طرح صنعتی به نام او به ثبت رسیده و گواهی مالکیت را دریافت داشته است و همچنین دارنده حق نسخه‌برداری می‌تواند با تکیه بر این حق انحصاری که دارای منشأ قانونی است، بازار کالا یا خدمت و یا فن‌آوری مربوط را در دست گرفته و در میزان و محل تولید و عرضه و تعیین قیمت و کیفیت کالا یا خدمت به هر گونه که مایل است، اقدام نماید. مسلماً چنین شخصی مناسب‌ترین قیمت‌ها را برمی‌گزیند و بازار را چنان کنترل می‌کند که بیش‌ترین سود و کم‌ترین هزینه را دربر داشته باشد. در راستای اعمال حق خویش، حق خود را به هر کس که بخواهد و تحت هر شرایطی که منافعی را بیش‌تر تأمین کند، انتقال می‌دهد و برای کسب سود بیش‌تر و جلوگیری از ورود رقبا هر شرطی را که مقتضی باشد، در قرارداد می‌گنجاند.

وجود این انحصار دولتی که در عمل باعث ایجاد خلل در توزیع عادلانه ثروت از طریق فراهم شدن سودهای کلان برای صاحبان این حقوق (که در بسیاری از موارد بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی بسیار ثروتمندی هستند) به قیمت فقیرتر شدن طبقه کم درآمد جامعه می‌شود، چگونه با ایجاد رفاه اجتماعی که دولت‌ها داعیه آن را دارند و مقررات حقوق رقابت قابل جمع است؟

در ابتدای امر به نظر می‌رسد که حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری دو هدف متضاد را دنبال می‌کنند: هدف حقوق رقابت تجارتی عبارت است از اینکه قدرت تجارتی بالقوه یا موجود واحدهای بازرگانی را در جهت منافع و مصالح عمومی کنترل نماید که این مهم را با حفظ اقتصاد رقابتی به وسیله ممنوع نمودن اقدامات انحصارگرانه شرکت‌ها یا تحریم ادغام واحدهای تجارتی که موجب تمرکز نامطلوب قدرت بازار در دست چنین شرکت‌هایی می‌گردد، صورت می‌دهد. به عبارت دیگر، حقوق رقابت و مقررات مربوط به آن به این منظور وضع و تصویب می‌گردند که: اولاً رقابت را در بازار به عنوان یک جریان محافظت

نماید؛ ثانياً از آن دسته روش‌های بازاری که موجب ظلم و استثمار می‌گردند، ممانعت نماید و ثالثاً از یک محیط سالم جهت رفتارهای رقابتی بین رقبا حمایت و محافظت نماید (سماواتی، ۱۳۷۴، ص ۱۹).

در حالی که هدف حقوق مالکیت فکری، حمایت از پدید آورنده اثر و صاحب حق در برابر دیگران است و این هدف را از طریق اعطای حق انحصاری به صاحب حق مالکیت فکری تأمین می‌کند که به موجب آن ذینفع می‌تواند یا مستقیماً از حق خود استفاده نماید و یا با توافق، استفاده و بهره‌برداری از آن را به دیگری واگذار کند و همچنین دیگران را از تصرف غیرمجاز در مال خود باز دارد.

تضاد بین هدف حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری، ظاهری است که با نگاه عمیق‌تر از بین می‌رود. در این زمینه توجه به چند نکته ضروری است. نخست آنکه انحصار فی‌نفسه مخل رقابت و مضر به رفاه اجتماعی نیست. دوم اینکه وجود انحصار دولتی در حقوق مالکیت فکری هم منافع صاحب حق را تأمین می‌کند و هم منافع اشخاص که این پدیده‌ها را دریافت کرده، مورد استفاده قرار می‌دهند. ضمن اینکه رفاه اجتماعی و پیشرفت فرهنگی و توسعه علوم و فن‌آوری نیز مدیون وجود این انحصار است. نکته سوم اینکه هدف حقوق رقابت در تمامی موارد نفی و حذف کامل انحصار نیست، بلکه در برخی موارد کنترل انحصار مورد توجه حقوق رقابت است، به گونه‌ای که صاحب حق انحصاری نتواند از این امتیاز و قدرت برتر خود در جامعه سوءاستفاده نماید. به عبارت دیگر، انحصار زمانی مضر به اقتصاد جامعه و غیرقابل قبول است که اعمال آن به صورت فعالیت‌های ضد رقابتی انجام گیرد. ماده ۱ لایحه مقررات تسهیل‌کننده رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات^۱ در بیان هدف مقررات رقابت مقرر می‌داشت: «هدف این قانون، حذف یا کنترل انحصار در فعالیت‌های تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، منع رفتارهای ضد رقابتی از جمله رویه‌های محدود‌کننده و اعمال بازرگانی غیرمنصفانه و تسهیل رقابت به منظور افزایش کارایی و رفاه اقتصادی می‌باشد».

۱. مفاد این لایحه در قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهار قانون اساسی لحاظ شده است.

در واقع حقوق رقابت، انحصار قانونی ناشی از حقوق مالکیت فکری را رد نمی‌کند و متقابلاً این انحصار نیز ناقض مقررات رقابت و عاملی برای توجیه اعمال ضد رقابتی نخواهد بود. به علاوه اعطای امتیاز انحصار به صاحبان حقوق مالکیت فکری متضمن منافع و آثاری است که حقوق مالکیت فکری را در نیل به توزیع عادلانه ثروت، تأمین رفاه اجتماعی، حفظ حقوق مصرف‌کننده و کمک به توسعه و پیشرفت فناوری با حقوق رقابت همگام و هم مسیر می‌نماید. برخی از این منافع عبارتند از:

۱. وجود سودهای کلان برای بنگاهها و شرکت‌های تولیدی که به موجب انحصار ناشی از حقوق مالکیت فکری موفق به کسب آن شده‌اند، این امکان را به وجود خواهد آورد که برای تحقیقات وسیع در راستای بهبود کالاها و خدمات خویش سرمایه‌گذاری کرده، از این طریق به پیشرفت فناوری کمک کنند. از این نظر بنگاههایی با قدرت انحصاری و ساختار انحصاری بازار بسیار بهتر می‌توانند به توسعه تحقیقات و نوآوری کمک کنند، چرا که فقط سودهای کلان این بنگاههای انحصاری امکان چنین پیشرفتهایی را فراهم آورده و بعید است که چنین پیشرفتهای تکنولوژیکی در بازارهای رقابتی به وجود آید.

۲. کسب یک موقعیت انحصاری و یا تمایل به کسب چنین موقعیتی انگیزه‌ای بسیار قوی برای پیشرفت و پیشی گرفتن از رقبای خواهد بود. داشتن این موقعیت انحصاری یا تمایل به کسب آن عاملی جهت ترغیب و ایجاد انگیزه برای نوآوری است و باعث می‌شود که بازگشت سرمایه به نحو مطلوب انجام گیرد و فعالان اقتصادی به راحتی ورشکست نشده و فضای سالم رقابتی تا حد ممکن حفظ شود. هم‌چنین نوآوری در روش معرفی تولید و محصولات جدید و ابداع و به کارگیری تکنیک‌های تولیدی که می‌تواند در هزینه‌ها صرفه‌جویی کند، تابعی از درجه انحصار بنگاههای تولیدی است (عبادی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵).

۳. ابداعات و فنون در اقتصاد دانش محور امروز نقش اساسی دارد و از عوامل مهم توسعه و قدرت هستند، چرا که سبب می‌شوند با منابع کم‌تر به نتایج بهتر و بهره‌وری بیش‌تر رسید. امروزه استفاده از انحصارات ناشی از حقوق مالکیت فکری ابزاری است، برای گسترش اختراعات که در نهایت به تسریع در تحول و تکامل اقتصادی جوامع منجر می‌شود.

۴. حمایت از مالکیت فکری و اعطای انحصار اثر مهمی در ایجاد، رشد، حفظ و به رقابت درآوردن فعالان اقتصادی دارد. علاوه بر اینکه به کشورها و شرکت‌های توسعه یافته امکان بازگشت سرمایه و باقی ماندن در بازار را می‌دهد، برای کشورهای در حال توسعه نیز فرصت رشد و ورود به فضای رقابتی را فراهم می‌کند. کشورهای صنعتی به عنوان دارندگان ابداعات که کلید پیشرفت اقتصادی را در دست دارند، وابستگی شدید به تحقیق و فن‌آوری داشته و هزینه‌های فراوانی نیز برای پیشرفت خود متحمل می‌شوند. بنابراین تمایل دارند هر جا که محصولات خود را به بازار عرضه می‌کنند، از حق آنها به گونه‌ای حمایت شود که بتوانند مخارج تحقیق و توسعه خود را جبران نموده و سود مناسبی هم کسب نمایند. این امر به نظام حقوق مالکیت فکری کشور میزبان بستگی دارد که به صاحبان فن‌آوری این اطمینان را می‌دهد که حقوق آنها مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین حمایت از حقوق مالکیت فکری باعث تسهیل در جابه‌جایی تکنولوژی و ایجاد رقابت سالم خواهد شد (خدایاریان و جهانگرد، ۱۳۸۴، ص ۳۲).

۵. حمایت از علامت تجاری به عنوان مصداقی از حقوق مالکیت صنعتی علاوه بر جلوگیری از اشاعه کالاهای تقلبی، امر تجارت را تسهیل نموده، موجب بازاریابی سریع و آسان برای کالاها و خدمات تولیدی و تجاری می‌گردد و از سوی دیگر، انتخاب آسان و مطمئن را برای مصرف‌کنندگان امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین علامت تجاری انگیزه‌ای قوی در تولیدکننده ایجاد می‌کند تا در جهت بهبود کیفیت کالای خود و همچنین کسب شهرت بیش‌تر سرمایه‌گذاری نماید (میرحسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۳).

امروزه با توجه به توسعه صنعت و تحولات ناشی از پیشرفت صنایع و توسعه تجارت نه تنها وضع کالاها و خدمات از لحاظ تولید، عرضه و تنوع افزایش چشمگیری داشته، بلکه گستره صادرات و جابه‌جایی کالا نیز از کشوری به کشور دیگر فزونی یافته است. در نتیجه رقابت بین فعالان اقتصادی افزایش یافته و نقش علامت در تفکیک و تمییز کالاها و خدمات ارایه شده توسط تولیدکنندگان مختلف غیرقابل اغماض است. بنابراین حمایت از علامت تجاری هم تولیدکننده را در معرفی کالا یا خدمت خود و تلاش در بهبود کیفیت آن کمک می‌کند و هم مصرف‌کننده را در انتخابی مناسب‌تر (کیفیت بالا و قیمت پایین) یاری می‌رساند و در مجموع به دلیل تسهیل در ارایه، انتخاب و صادرات کالاها و خدمات، زمینه را برای ایجاد، حفظ و گسترش رقابت سالم مهیا می‌سازد.

بنابراین حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری دارای اهدافی متضاد و مغایر نبوده و مقررات و آثار یکی ناقض و نافی دیگری نیست: انحصار ناشی از حقوق مالکیت فکری وسیله و عاملی برای توجیه عملکردهای صاحب حق در انجام اعمال ضد رقابتی و رویه‌های انحصارگرایانه نیست و رقابتی ساختن تجارت و اقتصاد مبتنی بر بازار به معنای نفی کامل انحصار برخاسته از حقوق مالکیت فکری نمی‌باشد. در واقع صاحب حق مالکیت فکری در اعمال حق انحصاری خود ملزم به رعایت مقررات حقوق رقابت و خودداری از انجام فعالیت‌های ضد رقابتی است و بنابر قول برخی نویسندگان «در اقتصاد به شدت رقابتی امروز حتی انحصارگران تحت حمایت باید رقابت را در نظر بگیرند» (قنادان، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲) قواعد رقابت در واقع محدودکننده اعمال حق انحصاری است.

به عقیده نویسندگان اروپایی عمل قانون‌گذار در اعطای حق بهره‌برداری انحصاری به دارنده حق مالکیت فکری بدین معنا نیست که این حقوق از شمول اجرای حقوق رقابت خارج است. هم‌چنین اعطای این حق انحصاری به معنای وجود تعارض ذاتی^۱ میان حقوق مالکیت فکری و مقررات حقوق رقابت اتحادیه اروپا نمی‌باشد. در واقع این دو قانون هدف اصلی مشترکی را دنبال می‌کنند که عبارت است از ارتقای سطح رفاه زندگی مصرف‌کنندگان و تقسیم مؤثر و عادلانه منابع^۲.

این نویسندگان با اشاره به نقش اساسی و پویای ابداع و نوآوری در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار بر این عقیده‌اند که حقوق مالکیت فکری از طریق تشویق شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در توسعه کالاها و فرآیندهای جدید و پیشرفته‌تر موجب تشویق رقابت پویا^۳ می‌شود و حقوق رقابت نیز بنگاه‌ها را به سوی ابداع و نوآوری^۴ سوق می‌دهد و در نتیجه هم حقوق مالکیت فکری و هم حقوق رقابت برای توسعه نوآوری و تضمین بهره‌برداری از آنها در محیط رقابتی ضروری هستند^۵.

1. un conflit intrinsèque

2. Lignes directrices relatives à l'application de l'article 81 du traité CE aux accords de transfert de technologie, paragraphe 7

3. une concurrence dynamique

4. Innover

5. Lignes directrices relatives à l'application de l'article 81 du traité CE aux accords de transfert de technologie, paragraphe 7

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، صاحبان حق انحصاری ناشی از حقوق مالکیت فکری در راستای اعمال حق خود باید مقررات رقابت را رعایت نموده و از انجام فعالیت ضد رقابتی و محدودکننده رقابت اجتناب نمایند. یکی از طرق استیفای این حق انحصاری، فراهم‌سازی امکان بهره‌برداری از پدیده تحت حمایت قانون برای دیگران است که این امر می‌تواند در چارچوب انعقاد قرارداد «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» انجام گیرد. بنابراین شخص صاحب حق در ضمن انعقاد قرارداد باید قواعد حقوق رقابت را رعایت نماید.

در این گونه قراردادهای خصوصاً قراردادهای مربوط به انتقال فن‌آوری به دلیل نیاز شدید به فن‌آوری از یک طرف و انحصاری بودن آن از طرف دیگر، دارنده فن‌آوری در وضعیت برتری قرار می‌گیرد که ممکن است از این وضعیت سوءاستفاده کرده و شروط و محدودیت‌های گسترده‌ای را به طرف مقابل تحمیل کند. این شروط و محدودیت‌ها بعضی اوقات نه تنها طرف مقابل را در وضعیت نامساعد قرار می‌دهند، بلکه با مسدود کردن راه ورود دیگر رقبا به بازار یا کنار زدن رقبای موجود و یا در دست گرفتن قیمت‌ها و تولیدات موجب می‌شوند، رقابت آزاد دستخوش اختلال گردد (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۲).

در ادامه، لزوم رعایت مقررات حقوق رقابت را در قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی در سطح اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار داده، شروط مخل رقابت و ضمانت اجرای آن را مطالعه می‌کنیم.

لزوم رعایت قواعد حقوق رقابت در قراردادهای انتقال و اجازه بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی در مقررات اتحادیه اروپا

به منظور شناخت تعامل حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت در مقررات اتحادیه اروپا دو مقرر قابل بررسی است: معاهده تأسیس این اتحادیه که اصطلاحاً معاهده رم نامیده می‌شود و آیین‌نامه شماره ۷۷۲/۲۰۰۴ مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۰۴ که به ترتیب آنها را مورد مطالعه قرار داده، در ادامه مواردی از شروط قراردادی ناقض یا محدود کننده رقابت را بررسی خواهیم کرد.

معاهده رم

مواد متعددی از معاهده رم^۱ به مسأله رقابت پرداخته، ولی مهم‌ترین آنها مواد ۸۱ و ۸۲ این معاهده است. بند ۱ ماده ۸۱ مقرر می‌دارد: «هرگونه توافق بین بنگاهها، هرگونه تصمیم اتحادیه‌های بنگاهها و هرگونه اقدام که احتمالاً بر تجارت بین دول عضو اثر سوء بگذارد و هدف یا اثر آن ممانعت، محدودیت یا انحراف امر رقابت در داخل بازار مشترک باشد و به ویژه آنهایی که ناظر به موارد زیر هستند، مغایر با بازار مشترک بوده و ممنوع می‌باشند:

(الف) تعیین مستقیم یا غیرمستقیم قیمت‌های خرید یا فروش یا سایر شرایط معامله؛

(ب) تحدید یا کنترل تولید، بازار، توسعه فنی و سرمایه‌گذاری؛

(ج) تقسیم بازارها یا منابع عرضه؛

(د) اعمال شرایط نابرابر در معاملات مشابه، نسبت به سایر بازرگانان که آنان را در موضع نامطلوب رقابتی قرار دهد.

(ه) موکول ساختن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات اضافی توسط طرف‌های دیگر که بنابر طبیعت خود یا عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد» (آذفر، ۱۳۷۴، ص ۴۳).

در صدر ماده، یک قاعده کلی مطرح شده و آن عبارت است از ممنوعیت توافقات^۲ و اقدامات مخل تجارت بین کشورهای عضو که هدف یا اثر آن ممانعت^۳، محدودیت^۴ یا انحراف^۵ رقابت در داخل بازار مشترک باشد (سینی و گوان، ۱۹۹۸، صص ۶۱-۶۲).

۱. معاهده تأسیس اتحادیه اروپا که در سال ۱۹۵۷ به امضاء ۶ کشور اروپایی (فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ) رسید و بر اساس آن جامعه اقتصادی اروپا (The european economic community) به منظور خلق و حفظ اتحاد بازار مشترک اروپایی تشکیل شد. این معاهده چندین بار مورد تغییر و اصلاح واقع شده و اساس تشکیل اتحادیه اروپا است. برای مطالعه در این خصوص رک: حشمت‌الله سماواتی، همان، ص ۵۲ به بعد - نیل نیوجنت (Neill Nugent)، سیاست و حکومت در اتحادیه اروپا، ترجمه محسن میردامادی، ص ۵۵ به بعد.

۲. منظور از «توافقی‌ها» (Agreements) قراردادهای حقوقی لازم‌الاجرا و همچنین تفاهم‌های صرفاً متکی بر حسن نیت طرف‌ها است. و منظور از «اقدامات» یا بنابر ترجمه عدای دیگر «سازش‌ها» (Concerted practices) اعمالی است که جنبه همکاری عملی میان طرف‌ها را دارد، اگرچه به صورت قرارداد نباشد. برای مطالعه بیشتر و دیدن آرای دادگاه اتحادیه اروپا رک: د - م - ریبولد و آلیسون فیرث، حقوق تطبیقی انحصارها؛ بررسی و مقایسه چهار سیستم حقوقی آلمان، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و جامعه اروپا، ترجمه عزت‌الله شهید، ج ۲، ص ۳۵ به بعد.

3. Prevention.

4. Restriction.

5. Distortion.

با توجه به عموم این بخش از ماده مسلماً قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی از شمول آن خارج نیستند و چنانچه این عقود بر تجارت بین کشورهای عضو اثر سوء داشته و مخل رقابت باشند، ممنوع خواهند بود.

نکته مهم دیگر اینکه، هر چند در بند ۱ ماده ۸۱ توافق بین بنگاهها^۱ موضوع حکم واقع شده است، ولی رویه قضایی از عبارت «بنگاه» معنای گسترده‌ای ارایه داده که حتی اشخاص حقیقی را نیز دربر می‌گیرد (ریبولد و فیث، ۱۳۷۵، ص ۴۱).

شایان ذکر است که قراردادن واژه‌های «هدف» و «اثر» در ماده مزبور نشان می‌دهد که این ماده نه تنها شامل قراردادی که اثر آن ایجاد محدودیت است، می‌گردد؛ بلکه قراردادهایی را که طرفین آن قصد ایجاد محدودیت در رقابت دارند، لکن به این هدف نایل نمی‌شوند، نیز دربرمی‌گیرد (سماواتی، ۱۳۷۴، ص ۶۲). به عبارت دیگر، طبق نظر دادگاه اروپا در پرونده‌ای در سال ۱۹۶۶ دو شرط هدف و نتیجه (اثر) جنبه جایگزینی دارند (همان، ص ۴۸).

بند ۱ ماده ۸۱ در ادامه، مواردی را ذکر می‌کند که مغایرت آنها با حقوق رقابت و بازار مشترک اروپایی مفروض بوده و بدون نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل ممنوع می‌باشند. تمامی این موارد نسبت به قراردادهای ناظر بر حقوق مالکیت صنعتی نیز قابل اجرا هستند که در صفحات بعد مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

بند ۲ این ماده ضمانت اجرای قراردادهای مشمول بند ۱ را بیان داشته و مقرر می‌دارد: «توافقی‌ها یا تصمیماتی که به موجب این ماده ممنوع گردیده، خودبه خود باطل می‌باشند»^۲. هر چند این بند قراردادها و تصمیم‌های منع شده را به خودی خود باطل دانسته است، با این حال، مسوولیت اجرای بند ۱ آن ماده در درجه نخست به عهده کمیسیون اروپا گذاشته شده است که به موجب آیین‌نامه شماره ۱۷/۶۲^۳ می‌تواند

1. Undertakings.

2. Any agreements or decisions prohibited pursuant to this Article shall be automatically void.

3. مستنداً به ماده ۸۳ معاهده رم تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم برای اعمال اصول مندرج در مواد ۸۱ و ۸۲ بر عهده شورای اروپا است. شورا به موجب آیین‌نامه ۱۷/۶۲ کمیسیون اروپا را مسوؤل نظارت و کنترل اجرای بند ۱ ماده ۸۱ دانسته است.

مؤسسه‌ها^۱ یا اتحادیه مؤسسه‌های ذریبط را ملزم سازد تا به تخلف خود از بند ۱ ماده ۸۱ خاتمه دهند و همچنین می‌تواند آنها را به پرداخت جریمه ملزم سازد (همان، ص ۳۱). ضمانت اجرای فوق در خصوص آن دسته از قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی که مشمول بند ۱ ماده ۸۱ قرار می‌گیرند، نیز اعمال خواهد شد.

بطلان قرارداد اثر قهقرای دارد و موجب بی‌اعتباری آن از همان ابتدای انعقاد خواهد بود. ضمن اینکه لغو چنین قراردادهایی منوط به هیچ اقدام یا آگاهی کمیسیون یا دیگر ارگان‌های اتحادیه اروپا یا مقامات ملی نمی‌باشد (سماواتی، ۱۳۷۴، ص ۶۵).

با توجه به اینکه ماده ۸۱ به طور مستقیم و بدون نیاز به گذراندن قانون توسط قانون‌گذار ملی در تمام کشورهای عضو قابل اعمال است، با استناد به بند ۲ این ماده دادگاه‌های ملی می‌توانند هر قراردادی را که مشمول بند ۱ تشخیص دهند، غیرقابل اجرا قلمداد کنند، خواه این تصمیم علیه طرفین قرارداد باشد یا علیه شخص ثالث.

ذکر این نکته ضروری است که لازم نیست، کل قرارداد باطل اعلام شود، بلکه دادگاه می‌تواند آن قسمتی را که مشمول ممنوعیت بند ۱ ماده ۸۱ است، باطل اعلام نماید، مشروط بر آنکه امکان تجزیه قرارداد وجود داشته باشد (سماواتی، ۱۳۷۴، صص ۶۵ - ۶۶).

بند ۳ ماده ۸۱ شرایطی را بیان می‌کند که قرارداد با داشتن آن شرایط از گستره بند ۱ ماده مذکور خارج شده و مشمول معافیت خواهد بود، هر چند که محدودیت‌هایی را بر واحدهای تجارتي طرف قرارداد تحمیل و موجب اخلال در رقابت شود (پیر و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۳۳۸).

این بند مقرر می‌دارد: «با وجود این، ممکن است، مقررات بند ۱ در موارد زیر غیرقابل اعمال باشند:

- هرگونه توافق دو یا چند جانبه بنگاههای اقتصادی؛
- هر تصمیم یا هر دسته از تصمیمات اتحادیه‌های بنگاههای اقتصادی؛

۱. منظور از مؤسسه همان بنگاه است.

– هر اقدام یا هر دسته از اقدامات مشترک که به بهبود تولید یا توزیع محصولات یا به پیشرفت فنی یا اقتصادی با اختصاص سهم عادلانه‌ای از سود حاصله به استفاده‌کنندگان کمک کند، بدون آنکه:

الف) محدودیت‌هایی را که برای نیل به این اهداف ضروری نیستند، بر بنگاه‌های ذینفع تحمیل کند و

ب) امکان حذف رقابت را در بخش‌های اساسی محصولات مورد نظر برای این بنگاه‌ها فراهم آورد.»

قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی از شمول بند ۳ ماده ۸۱ مستثنی نبوده و با دارا بودن شرایط مذکور در این مقرر می‌توانند از ممنوعیت بند ۱ معاف شوند.

اجرای ماده ۸۱ معاهده رم منوط به وجود قرارداد یا اقدام ضد رقابتی است و بدیهی است که تمام فعالیت‌های محل رقابت و محدود کننده تجارت در چارچوب قرارداد دو یا چند جانبه بین واحدهای تجاری انجام نمی‌گیرد و ممکن است، یک مؤسسه به تنهایی و با سوءاستفاده از امتیازات و حقوق انحصاری خود به انجام فعالیت‌های ضد رقابتی اقدام نماید. ماده ۸۲ معاهده رم مسأله سوء استفاده از موقعیت مسلط را مورد اشاره قرار داده و اعلام می‌نماید که: «سوء استفاده یک یا چند بنگاه اقتصادی از موقعیت مسلط خود در بازار مشترک یا بخش مهمی از آن، تا حدی که روی تجارت میان کشورهای عضو اثر سوء داشته باشد، بویژه موارد مذکور زیر مغایر با اهداف بازار مشترک و ممنوع می‌باشد:

الف) تحمیل مستقیم یا غیرمستقیم قیمت‌های خرید یا فروش یا سایر شرایط قراردادی غیرمنصفانه؛

ب) تحدید تولید، جریان داد و ستد یا توسعه فنی به زیان مصرف کنندگان؛

ج) اعمال شرایط نابرابر در معاملات مشابه در مورد سایر بازرگانان به نحوی که آنان را در موضع نامطلوب رقابتی قرار دهد؛

د) موکول ساختن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیل از سوی همکاران تجاری که بنابر طبیعت خود یا عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارند».

آنچه در این ماده منع شده سوءاستفاده بنگاه مسلط از موقعیت برتر خویش است (لانی، ۲۰۰۰، ص ۱۲۸). بنابراین تنها در موقعیت مسلط بودن به خودی خود غیرقانونی نیست (ریبولد و فیرث، ۱۳۷۵، ص ۲۹۷).

منظور از «داشتن موقعیت مسلط» این است که بنگاه در مورد محصول و بازارهای جغرافیایی ذریبط، در موقعیت اقتصادی نیرومندی باشد، به طوری که بتواند مستقل از اراده رقیبان، خریداران و مصرف کنندگان نسبت به امور بازرگانی خود تصمیم بگیرد و مانع رقابت یا موجب محدودیت آن شود (همان). دادگاه اروپایی در اولین تصمیم خود در خصوص موقعیت مسلط، تعریف آن را به «توانایی اقدام مستقل از رقیبان، خریداران و فروشندگان» پذیرفته است (همان، ص ۳۷۵).

هر چند پیدایش موقعیت مسلط به وجود وضعیت انحصاری نیازمند نیست (همان)؛ ولی اگر وضعیت انحصاری موجود باشد، به طریق اولی موقعیت مسلط هم وجود دارد (همان، ص ۳۵۷).^۱ بنابراین دارندگان حقوق مالکیت صنعتی به دلیل برخورداری از انحصار قانونی در اعمال حق خویش از امتیاز برتر و موقعیت مسلط بهره‌مند هستند^۲ و از آنجایی که برخورداری از حقوق انحصاری مقرر شده توسط دولت، موجب معافیت از ماده ۸۲ فوق نخواهد بود (همان، ص ۲۹۸)، چنانچه صاحب حقوق مالکیت فکری از جایگاه برتر خویش سوءاستفاده نموده و به اموری اقدام نماید که اثر منفی در تجارت میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد نماید، مشمول حکم مقرر در ماده ۸۲ خواهد بود. (موسرو و دلیکو، ۱۹۹۳، ص ۲۲).

ماده ۸۲ پس از بیان منع سوءاستفاده از موقعیت مسلط، مواردی را به عنوان مصادیق بارز این اقدام معرفی کرده است، ولی این موارد چهارگانه حصری نیستند. به طور کلی

۱. یادداشت شماره ۱۴: این موضوع (وجود حتمی موقعیت مسلط در صورت وجود انحصار) در سال ۱۹۷۳ توسط دادگاه اروپا تأیید و اعلام شده است.

۲. این مهم مورد توجه دادگاه اروپا واقع شده است، به طوری که در دعوی پارک دیویس علیه پروپل اعلام می‌دارد: در اختیار داشتن تکنولوژی بویژه در صورتی که با حقوق مالکیت فکری تأیید و تحکیم شده باشد، نشانه‌ای از موقعیت مسلط می‌باشد: د - م - ریبولد و الیسون فیرث، همان، ص ۳۱۰ و ص ۲۶۵، یادداشت شماره ۱۰۴.

سوءاستفاده مذکور در این ماده اقداماتی را دربر می‌گیرد که به ایجاد یا تشدید موقعیت مسلط بیانجامد و در ساختار رقابت اثر مهمی بگذارد (ریبولد و فیث، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱).^۱

این نکته را نباید از نظر دور داشت که سوءاستفاده، صرفاً دارای جنبه مثبت بوده و انجام کار و اقدام به فعل را دربرمی‌گیرد و در مقررات اتحادیه اروپا سوءاستفاده در حالت انفعالی (ترک فعل) پیش‌بینی نشده است (ریبولد و فیث، ۱۳۷۵، ص ۳۱۷).

آیین‌نامه شماره ۷۷۲/۲۰۰۴ مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۰۴

علاوه بر اینکه مقررات عمومی راجع به رقابت از جمله مواد ۸۱ و ۸۲ معاهده رم بر تمامی قراردادهای ناظر بر حقوق مالکیت فکری از جمله عقود «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی قابل اجرا هستند، مقرراتی خاص نیز وجود دارند که تنها بخشی از این قراردادها را پوشش می‌دهند.

آیین‌نامه کمیسیون اروپا در خصوص نحوه اجرای بند ۳ ماده ۸۱ معاهده رم در مورد توافق‌های انتقال فن‌آوری^۲ از قسم اخیر است. کمیسیون در کنار این آیین‌نامه راهنمایی^۳ را تدوین کرده که علاوه بر توضیح مقررات آیین‌نامه، به یکسری اصول کلی راجع به حقوق مالکیت فکری و ماده ۸۱ معاهده رم اشاره می‌نماید.

نظر به اینکه این آیین‌نامه مربوط به اجرای بند ۳ ماده ۸۱ بوده و ناظر بر قراردادهای معاف از ممنوعیت مندرج در بند ۱ ماده مذکور می‌باشد، باید کاملاً حد و مرز و شرایط اجرای آن شناخته شده و قراردادهای مشمول آن مشخص شود. بنابراین ویژگی‌های آن را به اختصار ذکر می‌کنیم.

۱) دامنه شمول

گستره اجرایی آیین‌نامه از این حیث که چه قراردادها و چه موضوعاتی را دربر می‌گیرد، قابل بررسی است.

۱. اثرگذاری مهم در رقابت بدین معنا است که شیوه و رویه اتخاذ شده توسط صاحب موقعیت مسلط برای حفظ رقابت در سطح موجود یا افزایش آن تأثیر منفی داشته باشد. توسل به چنین شیوه‌ای مصداق سوء استفاده از موقعیت برتر خواهد بود؛ همان، ص ۳۳۲.

2. Commission regulation (EC) N. 772/2004 on the application of article 81(3) of the treaty to categories of technology transfer agreement.

3. Guideline on the application of Article 81(3) of the treaty to technology transfer agreement, available at: www.europa.eu.

قراردادهای مشمول آیین‌نامه

با استناد به قسمت (ب) بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه، معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۸۱ بر قراردادهای «اجازه بهره‌برداری» قابلیت اجرا خواهد داشت و قراردادهای «انتقال» زمانی می‌توانند از مفاد آیین‌نامه و معافیت مزبور استفاده نمایند که انتقال‌دهنده، بخشی از خطرات مربوط به بهره‌برداری از فن‌آوری موضوع قرارداد را تقبل نماید و این مسأله خصوصاً در زمانی قابل طرح است که عوض مذکور در قرارداد به میزان بهره‌برداری منتقل‌الیه از فن‌آوری موضوع معامله یا تعداد کالاهای تولیدی یا تعداد نتایج به دست آمده در اثر به کارگیری فرایند موضوع قرارداد بستگی داشته و تابعی از آن باشد.

بنابراین قرارداد «اجازه بهره‌برداری» به طور مطلق و قرارداد «انتقال» به صورت مشروط در حیطهٔ اجرایی آیین‌نامه واقع شده و امکان استفاده آنها از معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۸۱ وجود دارد.

بند ۴۸ راهنمای مزبور در بیان مفهوم انتقال مقرر می‌دارد که: «مفهوم انتقال بیانگر این است که فن‌آوری باید از یک واحد تجاری به واحد تجاری دیگر روانه شود و معمولاً این عمل از طریق انعقاد قرارداد «اجازه بهره‌برداری» به عمل می‌آید. انتقال می‌تواند از طریق توافق‌های «اجازه بهره‌برداری» فرعی^۱ به عمل آید».

مقررۀ اخیر پس از بیان معنای انتقال، انعقاد قرارداد «اجازه بهره‌برداری» را رایج‌ترین روش برای انتقال فن‌آوری معرفی می‌کند، ولی از آن به عنوان طریق انحصاری برای این امر یاد نمی‌کند و بنابراین توافقی‌های مختلف انتقال فن‌آوری مثل قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال^۲، فرانسیز^۳ و مشارکت انتفاعی^۴ را دربر می‌گیرد. ولی از آنجایی که راهنما جدای از آیین‌نامه قابلیت استناد نداشته و در واقع مفسر آن می‌باشد، نادیده گرفتن نص قسمت (ب) بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه فاقد وجاهت قانونی است.

نکته دیگری که در خصوص قراردادهای مشمول آیین‌نامه قابل توجه است، اینکه با استناد به بند ۱ ماده ۲ آن و بند ۳۸ راهنما، صرفاً توافقی‌های منعقدۀ بین دو واحد تجاری

1. Sub – Licensing یا Sous – Licence.

2. Build operate transfer (B.O.T.).

3. Franchise.

4. Joint venture.

تحت پوشش آیین نامه قرار می‌گیرند و توافقی‌هایی که توسط بیش از دو واحد تجاری انعقاد یافته‌اند از محدوده آیین نامه خارج می‌باشند.^۱ البته کمیسیون می‌تواند از طریق قیاس اصول اعلام شده در آیین‌نامه، قراردادهای بین بیش از دو واحد تجاری را در محدوده اجرایی آیین نامه وارد کند.^۲

موضوعات مشمول آیین نامه

آیین نامه مربوط به توافقی‌های انتقال فن‌آوری است. بنابراین مواردی که در مجموعه فن‌آوری قرار دارند، در محدوده آیین‌نامه جای می‌گیرند. با استناد به قسمت‌های (ب) و (ح) بند ۱ ماده ۱، آیین نامه و بند ۴۶ راهنما در بیان مفهوم فن‌آوری اعلام می‌دارند که «اختراع، اظهارنامه اختراع، مدل‌های مفید، اظهارنامه مدل‌های مفید، طرح‌های صنعتی، حقوق ناشی از گونه‌های جدید گیاهی، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه، حقوق حمایت تکمیلی از محصولات دارویی و سایر محصولاتی که تحت حمایت تکمیلی واقع می‌شوند، حق نسخه‌برداری نرم‌افزارهای رایانه‌ای و دانش فنی در مفهوم فن‌آوری جای می‌گیرند». زمانی مقررات آیین نامه قابل اجرا خواهد بود که یکی از فن‌آوری‌های فوق موضوع اصلی قرارداد باشد.^۳ به علاوه آیین‌نامه در خصوص قرارداد «اجازه بهره‌برداری» از سایر حقوق مالکیت فکری مثل علامت و یا حقوق مؤلف قابل اجرا نخواهد بود، مگر اینکه اولاً این حقوق موضوع اصلی توافق را تشکیل نداده و ثانیاً به طور مستقیم به بهره‌برداری از فن‌آوری موضوع قرارداد مربوط باشد. به عبارت دیگر، توافقات مربوط به سایر حقوق مالکیت فکری از معافیت مذکور در آیین‌نامه بهره‌مند نخواهند بود، مگر اینکه گیرنده مجوز را در بهره‌برداری بهتر از فن‌آوری موضوع قرارداد یاری رسانند. مثلاً انعقاد قرارداد «اجازه بهره‌برداری» نسبت به علامت ثبت شده به تبع قرارداد انتقال تکنولوژی که به موجب آن دارنده مجوز می‌تواند از علامت مجوزدهنده در معرفی محصولات تولید شده متضمن فن‌آوری موضوع قرارداد اصلی استفاده نماید، امکان بهره‌برداری بهتر از فن‌آوری

۱. منظور از قراردادهای بین دو واحد تجاری، قراردادهای دوجانبه و منظور از قراردادهای انعقاد یافته توسط بیش از دو واحد تجاری، قراردادهای چند جانبه نیست. آنچه لازم است اینکه در انعقاد قرارداد مشمول آیین نامه فقط دو بنگاه دخالت داشته باشند، نه اینکه قرارداد دو طرفه باشد. بنابراین چنانچه قرارداد دو طرفه‌ای بین چند واحد تجاری منعقد شود مشمول آیین نامه نخواهد بود.

۲. بند ۴۰ راهنما.

۳. بند ۴۹ راهنما.

را برای دارنده مجوز فراهم می‌کند چرا که مصرف‌کنندگان مستقیمی و به راحتی می‌توانند رابطه میان آن کالا و ویژگی‌های ناشی از آن فن‌آوری را درک کنند.^۱

برعکس چنانچه موضوع اصلی قرارداد، علامت تجاری بوده و استفاده از فن‌آوری جنبه تبعی و فرعی داشته باشد، توافق مشمول آیین نامه نخواهد بود.

معافیت مذکور در آیین‌نامه زمانی قابل اعمال است که فن‌آوری موضوع قرارداد باطل، بی‌اعتبار و منقضی نشده و چنانچه موضوع قرارداد «دانش فنی» باشد تا زمانی که محرمانه و سری است، در شمول آیین‌نامه خواهد بود، مگر اینکه در اثر فعالیت دارنده مجوز افشا شده باشد.^۲

۲. محدودیت‌های مشخص^۳

آیین نامه در ماده ۴ برخی از محدودیت‌ها را تعیین و احصا کرده که در صورت وجود هر کدام از آنها، توافق از محدوده معافیت خارج می‌شود، بدون اینکه به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها نیاز باشد. چنانچه هدف توافق، ایجاد محدودیت برای طرف قرارداد در تعیین قیمت فروش و یا محدود ساختن میزان تولید و یا تقسیم بازار و یا منع طرف قرارداد در خصوص بهره‌برداری از فن‌آوری اختصاص خویش یا منع از انجام تحقیق و توسعه باشد، با لحاظ تمام شرایط مندرج در این ماده قرارداد از شمول آیین‌نامه و معافیت مندرج در بند ۳ ماده ۸۱ خارج شده و تحت قاعده کلی مذکور در بند ۱ ماده ۸۱ قرار می‌گیرد (پول، ۱۹۹۹، ص ۲۷۶-۲۷۷).

بند ۱ ماده ۴ به ارایه این محدودیت‌ها در رابطه بین رقبا پرداخته و بند ۲ آن به محدودیت‌های میان بنگاه‌های غیررقیب اشاره دارد.

۳. پیش‌بینی منطقه امن^۴

آیین‌نامه توافقی‌های بین رقبا که مجموع سهم آنها در بازار از ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کند و توافقی‌های بین غیررقبا که میزان سهم هر کدام از آنها در بازار حداکثر تا ۳۰٪ است، را از ممنوعیت موضوع بند ۱ ماده ۸۱ خارج کرده است.^۵

۱. بند ۵۰ راهنما.

۲. بند ۵۴ راهنما.

3. Hardcore restrictions (restrictions caractérisées)

4. La sphère de sécurité (Safety Zone)

5. بند ۱ و ۲ ماده ۳ آیین نامه و بند ۶۹ راهنما.

با استناد به بند ۶۵ راهنما توافقاتی که در این محدوده واقع می‌شوند، بدون اینکه به بررسی آنها نیازی باشد، از معافیت موضوع بند ۳ ماده ۸۱ معاهده رم برخوردارند، هر چند که توانایی محدود کردن رقابت را داشته باشند. و آن دسته از توافقی‌هایی که در ورای این محدوده امن قرار می‌گیرند، باید به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل و بررسی واقع شوند: صرف تجاوز مجموع سهم رقبا در بازار از ۲۰٪ و سهم هر کدام از بنگاه‌های غیررقیب از ۳۰٪ به معنای ورود توافق میان آنها به محدوده اجرای بند ۱ ماده ۸۱ نیست، همان‌طور که به معنای خروج آن از سایر شرایط بند ۳ ماده ۸۱ نمی‌باشد. در واقع، در صورت فقدان محدودیت‌های تعیین شده موضوع ماده ۴ آیین نامه، بررسی توافق و تجزیه و تحلیل بازار ضروری است.

با توجه به مواد ۸۱ و ۸۲ معاهده رم و مقررات آیین نامه اجرای بند ۳ ماده ۸۱ در خصوص توافقی‌های انتقال تکنولوژی می‌توان بر این عقیده بود که حقوق رقابت در مواجهه با شروط و محدودیت‌های مندرج در قراردادهای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی، سه برخورد متفاوت دارد. برخی از محدودیت‌ها را به دلیل داشتن اهداف یا نتایج ضد رقابتی در کل ممنوع اعلام می‌کند. برخی دیگر را به سبب عدم مغایرت با اهداف مد نظر خود و نداشتن اثر منفی بر بازار مشترک و رقابت به طور کامل می‌پذیرد و پذیرش محدودیت‌های گروه سوم را به بررسی آنها و تجزیه و تحلیل بازار منوط می‌نماید. با این توضیح، وضع شروط و محدودیت‌های مختلف را در قراردادهای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی بررسی می‌کنیم.

بررسی قراردادهای دارای محدودیت و شروط مرتبط با رقابت

۱. با هم فروشی^۱

این شرط طرف قرارداد (منتقل‌الیه یا مجوز گیرنده) را مجبور می‌کند که علاوه بر انعقاد قرارداد اصلی، در خصوص موضوع دیگری هم با طرف مقابل وارد معامله شود یا کالایی را از وی یا شخصی که او تعیین می‌کند، خریداری نماید، بدون اینکه انعقاد قرارداد دوم یا خرید کالا با موضوع قرارداد اصلی ارتباط داشته باشند.

نمونه‌های «با هم فروشی» به طور معمول در پروانه‌های استفاده از حقوق مالکیت صنعتی دیده می‌شود. ممکن است که دارنده حق اختراع، اجازه بهره‌برداری از محصول یا روش به ثبت رسیده خود را به دیگری داده و در ازای آن وی را ملزم سازد تا به طور مثال مواد خام لازم را فقط از او بخرد (ریبولد و فیث، ۱۳۷۵، ص ۱۱۹).

قسمت (ه) بند ۱ ماده ۸۱ معاهده رم، با هم فروشی را به شرطی مغایر رقابت دانسته و ممنوع می‌کند که تعهدات اضافی تحمیلی بر طرف قرارداد، بنابر طبیعت خود یا عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی نداشته باشد.

ترتیبات با هم فروشی ممکن است در مواردی به نفع رقابت باشد. به عنوان مثال جایی که نیل به کیفیت مدنظر مجوز دهنده، مستلزم استفاده از محصولات خود او باشد یا در مواردی که مجوز گیرنده از علامت تجاری مجوز دهنده استفاده می‌نماید، استفاده از چنین ترتیباتی به منظور تضمین کیفیت محصول مفید است. اما در بعضی مواقع ممکن است، هدف از آن، مسدود نمودن راه ورود دیگر عرضه کنندگان به بازار باشد (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱).

کمیسیون اروپا در اطلاعیه ۲۴ دسامبر ۱۹۶۲ درباره توافقی‌های با هم فروشی مربوط به پروانه اختراع گفته است: «معیارهای مربوط به کیفیت یا الزام اجازه گیرنده به تهیه بعضی از کالاها از منابع مشخص، تا حدودی که برای بهره‌برداری از اختراع به ترتیب فنی درست و کامل ضرورت داشته باشد» مشمول بند ۱ ماده ۸۱ نخواهد بود (ریبولد و فیث، ۱۳۷۵، صص ۱۱۹-۱۲۰).

با توجه به منافع و مضار مترتب بر چنین ترتیباتی، اتحادیه اروپا چنین محدودیتهایی را صرفاً تا سقف ۲۰ و ۳۰ درصد سهم بازار به ترتیب برای رقبا و بنگاههای غیررقیب، تجویز کرده است (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱).

۲. شروطی در ارتباط با محدوده استفاده

در مواردی، از فن‌آوری می‌توان برای ساخت محصولات مختلف استفاده کرد یا می‌توان آن را در محصولاتی به کار برد که به بازارهای مختلف تعلق دارند (پولد، ۱۹۹۹، ص ۲۷۵). به عنوان مثال از یک فن‌آوری جدید ریخته‌گری هم می‌توان در ساخت بطری‌های پلاستیکی و هم شیشه‌های پلاستیکی که هر کدام به بازارهای جداگانه‌ای تعلق دارند، استفاده کرد.

در مواقعی فن‌آوری به بازار واحدی تعلق دارد، ولی حوزه‌های فنی و تکنیکی آن گسترده است و موارد مختلفی را شامل می‌شود. به عنوان مثال، یک فن‌آوری جدید موتورهای هم می‌تواند در موتورهای چهار سیلندر مورد استفاده قرار گیرد و هم در موتورهای شش سیلندر به کار رود. یا از فن‌آوری ساخت تراشه هم می‌توان برای تولید تراشه‌هایی با چهار واحد پردازش مرکزی استفاده نمود و هم در ساخت تراشه‌های با بیش از چهار واحد پردازش مرکزی آنها را به کار برد.^۱

در موارد فوق از آنجا که می‌توان از فن‌آوری برای ساخت محصولات مختلف استفاده کرد، یا می‌توان حوزه‌های فنی یک بازار را از هم جدا کرد، صاحب حق برای اینکه یک یا چند بازار را برای خودش نگه دارد، در خصوص نحوه انعقاد قرارداد و میزان حق طرف مقابل، محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند.

وجود چنین محدودیتی نه تنها موجب اخلال در رقابت نمی‌شود، بلکه از این حیث که صاحب حق را تشویق می‌نماید، در خصوص بازارها یا کاربردهای دیگر فن‌آوری اقدام به انعقاد قراردادهای متعدد (از جمله اعطای مجوزهای متعدد) نماید، موجبات پخش و اشاعه فن‌آوری را فراهم آورده که این امر باعث ارتقای رقابت و پیشرفت می‌شود. البته این محدودیت‌ها از آنجایی که مانع فعالیت طرف قرارداد در حوزه‌های ممنوعه می‌شود، برای رقابت مضر است.

در اتحادیه اروپا با استناد به بندهای ۱۸۳ و ۱۸۴ راهنما، اعمال این محدودیت‌ها در توافق مابین رقبا تا میزان ۲۰ درصد سهم بازار و در توافق میان بنگاههای غیررقیب تا میزان ۳۰ درصد سهم بازار اجازه داده شده‌اند (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۳).

۳. شرط عدم رقابت با انتقال دهنده یا اعطا کننده مجوز

این شرط منتقل‌الیه یا مجوزگیرنده را ملزم می‌نماید که از فن‌آوری اشخاص ثالث یا فن‌آوری خود که رقیب فن‌آوری طرف قرارداد به شمار می‌رود، استفاده ننماید.^۲

چنانچه وی ملزم شده باشد که از فن‌آوری خود که رقیب فن‌آوری انتقال دهنده یا مجوز دهنده است، استفاده ننماید و یا در خصوص انجام تحقیق و توسعه محدود شده

۱. بند ۱۷۹ راهنما.

۲. بند ۱۹۶ راهنما.

باشد، چنین محدودیت‌هایی با استناد به قسمت (د) بند ۱ ماده ۴ آیین‌نامه بین رقبا ذاتاً ممنوع خواهد بود، مگر اینکه این محدودیت به منظور ممانعت از افشای دانش فنی و اطلاع اشخاص ثالث نسبت به آن ضروری باشد.

اما اگر طرفین این محدودیت بنگاه‌های غیررقیب باشند، این شرط ذاتاً ممنوع نبوده و برای تشخیص هماهنگی آن با حقوق رقابت باید به طور موردی بررسی شود.

ولی چنانچه شرط عدم رقابت ناظر بر خودداری طرف قرارداد از به کارگیری فن‌آوری اشخاص ثالث باشد، این محدودیت با استناد به بند ۱۹۷ راهنما مخالف اصول بازار رقابت نخواهد بود، مشروط بر اینکه میزان سهم بازار در بین رقبا از ۲۰ درصد و در بین غیررقبا از ۳۰ درصد تجاوز ننماید.

اثر منفی این شرط مسدود نمودن راه ورود فن‌آوری اشخاص ثالث به بازار است و در عین حال می‌توان مزایایی را نیز برای آن در نظر گرفت.

۱. این شرط به علت کاهش خطر دستیابی غیرمجاز دیگران به فن‌آوری موضوع قرارداد خصوصاً دانش فنی می‌تواند در اشاعه فن‌آوری و افزایش انگیزه دارنده حق به انتقال تکنولوژی مؤثر باشد؛

۲. اگر مجوز گیرنده به کسب فن‌آوری رقیب متعلق به ثالث مجاز باشد، این خطر وجود دارد که دانش فنی مجوز دهنده نخست در حین بهره‌برداری از فن‌آوری رقیب مورد استفاده قرار گیرد و ناخواسته منافع رقبا تأمین گردد و

۳. استفاده مجوز گیرنده از فن‌آوری‌های رقیب، اعمال کنترل بر پرداخت عوض قرارداد (حق امتیاز) را دشوار می‌کند و این امر انگیزه صاحب حق را در انتقال فناوری کاهش می‌دهد.^۱

شرط عدم رقابت با انتقال‌دهنده یا اعطاکننده مجوز در واقع یک حق انحصاری به نفع وی به وجود می‌آورد، چرا که به موجب این شرط منتقل‌الیه یا مجوز گیرنده ملزم و متعهد می‌شود که به تولید کالا، ارائه خدمت و یا انجام اقدامی که رقیب موضوع قرارداد «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» است، اقدام ننماید. به عبارت دیگر، مشروط علیه در

خصوص انجام فعالیت موضوع قرارداد صرفاً و منحصر با مشروط له در ارتباط بوده و نمی‌تواند در این زمینه با دیگران همکاری داشته باشد.

در بدو امر به نظر می‌رسد که چنین شرطی صرفاً منافع مجوز دهنده یا انتقال دهنده را تأمین می‌کند، ولی واقعیت این است که مجوزگیرنده یا منتقل‌الیه نیز به دلیل تمرکز در اجرای قرارداد و عدم پراکندگی و پخش سرمایه و اندیشه وی، می‌تواند با اجرای بهتر قرارداد، در اشاعه فن‌آوری نقش مؤثرتری داشته باشد.

امکان درج چنین شرطی از لحاظ نظری و عملی به قراردادهای انتقال فن‌آوری منحصر نبوده و در خصوص قراردادهای مربوط به علامت تجاری نیز قابل طرح است. مانند اینکه در قراردادهای توزیع، پخش کننده حق نداشته باشد که محصولات با علامت رقیب را به فروش برساند.

چنین شرطی هر چند ایجاد انحصار کرده و مانع ورود توزیع کننده به بازار محصولات تحت پوشش علایم رقیب است و از این حیث محدود کننده رقابت می‌باشد، ولی از آنجایی که تمرکز فعالیت امتیازگیرندگان (دارندگان مجوز) برای فروش یک محصول به بهبود پخش آن کمک می‌کند، موضوع از مصادیق بند ۳ ماده ۸۱ و در نتیجه مشمول معافیت خواهد بود (ریولد و فیث، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳).

برخی موارد ممکن است که این انحصار به نفع گیرنده مجوز یا منتقل‌الیه شرط شود. مثلاً مجوز دهنده با انعقاد قرارداد «اجازه بهره‌برداری» انحصاری، حق اعطای مجوز به شخص دیگر را از خود سلب می‌کند و یا حتی به موجب این قرارداد و یا شرط ضمن آن خود وی نیز نمی‌تواند شخصا به انجام موضوع معامله بپردازد.

ممکن است صاحب علامت تجاری، حق استفاده از آن را در یک محدوده جغرافیایی معین به طور انحصاری به دیگری واگذار نماید که به موجب آن گیرنده مجوز منحصر قادر و ذی‌حق به استفاده از آن علامت در آن محدوده جغرافیایی بوده و می‌تواند از فعالیت‌های موازی دیگران و حتی در برخی مواقع از فعالیت‌های موازی شخص صاحب علامت (مجوز دهنده) جلوگیری نماید.

هر چند با وجود چنین شرط انحصاری به نفع مجوزگیرنده، وی به انعقاد قرارداد ترغیب شده و راحت‌تر و زودتر می‌تواند به بازگشت سرمایه خود امیدوار باشد و از این حیث چنین محدودیتی می‌تواند به توزیع محصول کمک کند، ولی به دلیل ممانعت از ورود دیگر رقبا

به بازار در آن محدوده جغرافیایی و عدم امکان رقابت دیگران در انجام موضوع قرارداد (مثلاً تولید و توزیع کالا تحت علامت معین) وجود این محدودیت (چه ناشی از اصل قرارداد باشد و چه ناشی از شرط ضمن آن) ضد رقابتی تلقی می‌شود. به همین دلیل باید هدف و اثر این توافق را بررسی کرد تا امکان تشخیص اینکه قرارداد مخل رقابت بوده و در شمول بند ۱ ماده ۸۱ است یا اینکه می‌تواند از معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۸۱ بهره‌مند شود، فراهم آید.

در برخی موارد شرط انحصار هر منطقه به یک امتیاز گیرنده و خودداری امتیاز دهنده از ساخت محصول در آنجا به منظور تأمین بازده کافی برای سرمایه‌گذاری امتیاز گیرنده و تشویق وی به فعالیت بازاریابی در قلمرو خود، از معافیت برخوردار می‌شود (ریولد و فیث، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳). ولی چنانچه این انحصار به جایی بیانجامد که به دلیل ممانعت صاحب مجوز انحصاری از واردات کالاهای مشابه و جلوگیری از ورود رقبا و آزادی اراده وی در تعیین قیمت، مصرف کنندگان از امکان انتخاب کالا و خرید محصولی با کیفیت مشابه و قیمت پایین‌تر محروم باشند، این توافق با بازار مشترک اروپایی ناسازگار بوده و مشمول ممنوعیت مندرج در بند ۱ ماده ۸۱ معاهده رم خواهد بود (افولتر و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۱۹۸).

۴. تحمیل محدودیت‌های سرزمینی

اول: وضع محدودیت به نفع انتقال دهنده یا اعطا کننده مجوز

این شرط محدودیت‌هایی را در خصوص محدوده جغرافیایی فعالیت طرف قرارداد ایجاد می‌کند. علت چنین محدودیتی این است که انتقال دهنده یا اعطا کننده مجوز تمایل دارد که فعالیت در برخی مناطق (مناطق ممنوعه مذکور در قرارداد) را برای خود حفظ کرده یا به اشخاص دیگری واگذار نماید.

برقراری چنین محدودیت‌هایی از یک سو، صاحب حق را به اشاعه بیش‌تر فن‌آوری خود از طریق انعقاد قراردادهای متعدد تشویق می‌کند و از سوی دیگر، موجب می‌شود که مجوز گیرندگانی که محدودیت در جهت حمایت از فعالیت و منافع آنان برقرار شده است، با دلگرمی بیش‌تری به فعالیت بپردازند.

ولی این احتمال هم منتفی نیست که این شرط به دستاویزی برای ایجاد انحصار، تقسیم بازار و یا دیگر رفتارهای ضد رقابتی تبدیل شود. لذا لازم است، مقررات رقابت چنان برخوردی با این محدودیت‌ها داشته باشد که از طرفی این امکان فراهم شود تا در

سایهٔ چنین محدودیت‌هایی، انتظارات معقول برآورده شود و از طرف دیگر، مجاری سوء استفاده مسدود گردد (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸-۲۱۹).

در هر حال، شرط محدودیت سرزمینی یکی از طرق تقسیم بازار است که در جزء ۲ قسمت (ج) بند ۱ ماده ۴ آیین نامه ذکر شده است. طبق این مقرر تقسیم بازار از طریق ایجاد محدودیت سرزمینی، چنانچه توافق بین رقبا به صورت متقابل^۱ باشد، ذاتاً ممنوع خواهد بود، ولی در صورت غیرمتقابل^۲ بودن قرارداد، این محدودیت تا سقف ۲۰ درصد از سهم بازار مشمول معافیت می‌باشد (بند ۱ ماده ۳ آیین نامه) و چنانچه طرفین توافق، غیررقیب باشند، صرف‌نظر از متقابل یا غیرمتقابل بودن آن تا میزان ۳۰ درصد از سهم بازار مشمول معافیت قرار می‌گیرد. (بند ۲ ماده ۳ آیین نامه).

دوم: وضع محدودیت به نفع گیرنده مجوز

بر طبق این شرط، مناطق خاص در انحصار مشروط له قرار داده می‌شود. به عبارت دیگر، اعطاکننده مجوز تعهد می‌نماید که در مناطق خاص فعالیت ننموده یا حق خود را به شخص یا اشخاص دیگر واگذار ننماید.

در برخی موارد به منظور ترغیب و تشویق مجوز گیرنده در امر سرمایه‌گذاری برای تولید فن‌آوری که نهایتاً منجر به اشاعه آن می‌شود، اعطای چنین انحصاری ضروری است، ولی تأثیر این شرط نیز در ممنوعیت ورود دیگران به محدودهٔ انحصاری و کاهش رقابت در فن‌آوری قابل چشم‌پوشی نیست.

با استناد به جزء ۲ قسمت (ج) بند ۱ ماده ۴ آیین نامه، اگر توافق متضمن این محدودیت به صورت متقابل بین رقبا منعقد شود، این محدودیت ذاتاً ممنوع خواهد بود، ولی اگر توافق میان رقبا، غیرمتقابل باشد، ذاتاً ممنوع نبوده و تا میزان ۲۰ درصد سهم بازار از معافیت برخوردار خواهد بود و چنانچه طرفین توافق غیررقیب بوده و سهم هر کدام از آنها در بازار از ۳۰ درصد تجاوز ننماید، محدودیت فی‌مابین مشمول معافیت خواهد بود.

۱. مستنداً به قسمت (ج) بند ۱ ماده ۴ آیین نامه، توافق متقابل عبارت است از توافق انتقال فناوری که به موجب آن دو بنگاه تجاری طی یک یا چند قرارداد متقابلاً در خصوص اجازه بهره‌برداری از فناوری توافق می‌کنند مشروط به اینکه موضوع قراردادهای اجازه بهره‌برداری، فناوریهای رقیب بوده یا بتوان از آنها برای تولید کالای نهایی استفاده کرد.

۲. مستنداً به قسمت (د) بند ۱ ماده ۴ آیین نامه، توافق غیرمتقابل عبارت است از توافق انتقال فناوری که به موجب آن یک بنگاه اجازه بهره‌برداری از فناوری را به بنگاه دیگر اعطا می‌کند و یا دو بنگاه متقابلاً در خصوص اجازه بهره‌برداری از فناوری توافق می‌کنند مشروط بر آنکه موضوع قراردادهای اجازه بهره‌برداری، فناوریهای رقیب نبوده یا نتوان از آنها برای تولید کالای نهایی استفاده کرد.

گفته شد که تعیین قلمرو جغرافیایی برای فعالیت یکی از مصادیق تحدید و تقسیم بازار است. طبق قسمت (ج) بند ۱ ماده ۸۱ معاهده رم توافقاتی که هدف یا اثر آن تقسیم بازار باشد با بازار مشترک اروپا مغایر بوده و ممنوع می‌باشد. این مسأله نیز در آیین نامه مربوط به اجرای بند ۳ ماده ۸۱ در خصوص توافقاتی انتقال فن‌آوری لحاظ شده و طبق قسمت (ج) بند ۱ ماده ۴ آن، چنانچه هدف توافق منعقد شده میان رقبا تقسیم بازار باشد. توافق از شمول بند ۳ ماده ۸۱ و معافیت مذکور در آن بدون نیاز به بررسی خارج خواهد بود، هر چند که استثناهایی بر آن وارد شده است.

بر اساس قسمت (ب) بند ۲ ماده ۴ آیین نامه فوق، چنانچه طرفین توافق انتقال فن‌آوری بنگاه‌های غیریق باشند، ایجاد محدودیت سرزمینی در برخی از قراردادهای «اجازه بهره‌برداری» ذاتا ممنوع شده است، هر چند که بر این قاعده نیز استثناهایی قید شده است.

بنابراین تحدید سرزمینی به عنوان یکی از طرق تقسیم بازار اساساً ممنوع و مغایر با رقابت می‌باشد، خواه این محدودیت ناشی از قراردادهای افقی^۱ باشد و خواه در اثر قراردادهای عمودی به وجود آید.

در خصوص قراردادهای مربوط به علامت که از مصادیق توافقات انتقال فن‌آوری نبوده و از حیطة اجرایی آیین نامه فوق‌الاشاره خارج می‌باشد، مقررات عام رقابتی، یعنی ماده ۸۱ معاهده رم مجری است.

یکی از قراردادهایی که می‌تواند منجر به تقسیم بازار از طریق تحدید سرزمین شود، قرارداد «انتقال» علامت به منظور جلوگیری از واردات کالاها با همان علامت یا علامت مشابه است. در این قرارداد هدف متعاقدان، ایجاد و حفظ انحصار در بازار کالایی معین در محدوده جغرافیایی خاص است که این هدف را با جلوگیری از ورود آن کالا با همان علامت یا علامت مشابه علامت خود تأمین می‌کنند. توضیح اینکه فرد صاحب علامت یا کسی که در اثر انعقاد قرارداد «انتقال» علامتی را به دست آورده یا به موجب قرارداد

۱. قرارداد افقی (Horizontal agreement) قراردادی است که بین رقبای موجود در بازار یک کالا یا خدمت واحد یا کالاها یا خدمات مشابه به منظور تبانی برای انجام یک فعالیت ضد رقابتی منعقد می‌شود. در قرارداد افقی، دو طرف قرارداد هم سطح هستند. بر عکس طرفین قرارداد عمومی غیرهم سطح بوده و در زنجیره تولید و پخش بین تولیدکنندگان و عرضه کنندگان منعقد می‌شود.

«اجازه بهره‌برداری» حق استفاده از آن علامت را کسب می‌کند، می‌تواند با استناد به امکان معقول گمراهی و اشتباه مصرف‌کنندگان در اثر تشابه دو علامت، از ورود کالاهایی که علامت روی آنها، مشابه علامت خود او است جلوگیری کند و یا در صورت وجود حق انحصاری در استفاده از علامتی خاص در محدوده جغرافیایی معین، از واردات کالاهای تحت آن علامت توسط دیگران ممانعت نماید. کمیسیون اروپا چنین قراردادی را به دلیل مغایرت با رقابت ممنوع اعلام کرده است (افولتر و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۱۹۸).

چنانچه دو واحد تجاری مستقل بر اساس سازش و اقدام هماهنگ در خصوص تقسیم بازار اقدام به انتقال علایم کنند، عمل آنها ضد رقابتی محسوب شده و مشمول بند ۱ ماده ۸۱ خواهد بود. کمیسیون اروپا در موردی علاوه بر اعلام ممنوعیت سازش فیمابین قراردادهای «انتقال» آنها را نیز باطل کرده است. البته توجه به این نکته ضروری است که مغایرت سازش و اقدام مشترک با مقررات رقابت و اجرای ماده ۸۱ بند (۱) الزاماً منجر به بطلان قرارداد متعاقب آن نخواهد بود، بلکه کمیسیون باید با توجه به اوضاع و احوال از جمله تعهدات طرفین قرارداد، قصد و انگیزه آنها و عوض مقرر، قرارداد را تجزیه و تحلیل نماید (همان، صص ۲۹۹-۳۰۱).

در صورت تشابه دو علامت، توافق افقی صاحبان علایم مبنی بر تولید و توزیع کالای تحت علامت خود در محدوده جغرافیایی معین و عدم ورود به بازار مربوط به دیگری به منظور پیشگیری از اشتباه و گمراهی مصرف‌کنندگان در انتخاب علامت مورد نظر خود، مخل رقابت تشخیص داده می‌شود چون صرف‌نظر از انگیزه طرفین و هدف آنها، اقدام مشترک مآلاً منجر به تقسیم بازار می‌شود (همان، ص ۳۰۰).

۵. محدودیت در خصوص میزان تولید

طبق این شرط مجوز گیرنده یا منتقل‌الیه متعهد می‌شود که تولید کالای متضمن فن‌آوری را از حد معین فراتر نبرد.

مقررات اتحادیه در برخورد با این شرط بین توافق میان رقبا و توافق فیمابین بنگاههای غیررقیب تفکیک کرده است. چنانچه طرفین توافق، غیررقیب باشند، این محدودیت مشمول معافیت خواهد بود، مشروط بر اینکه سهم هر کدام از طرفین غیررقیب

در بازار از ۳۰ درصد فزونی نیابد.^۱ ولی در صورت رقیب بودن طرفین اصولاً این محدودیت مصداق ماده ۴ آیین نامه (محدودیت‌های معین) بوده و با استناد به قسمت (ب) بند ۱ این ماده ممنوع خواهد بود، مگر اینکه توافق بین رقبا غیرمتقابل بوده و یا اینکه در توافق متقابل، این محدودیت صرفاً نسبت به یکی از طرفین (یکی از مجوز گیرندگان) تحمیل شود. در این دو حالت چنانچه سهم رقبا از بازار از ۲۰ درصد تجاوز نماید، محدودیت مذکور ضد رقابت تلقی نخواهد شد.^۲

۶. محدودیت‌های مربوط به قیمت

قسمت (الف) بند ۱ ماده ۴ آیین نامه، اعمال هرگونه محدودیت برطرف قرارداد در خصوص تعیین قیمت را در توافق فی‌مابین رقبا به طور کامل منع کرده، مغایر با رقابت دانسته است. این مسأله در بند ۷۹ راهنما بیش‌تر توضیح داده شده است. طبق این بند، شروط راجع به تثبیت قیمت، تعیین حداقل یا حداکثر قیمت و یا ارایه قیمت‌های توصیه‌ای چه به طور مستقیم انجام گیرد و چه به صورت غیرمستقیم^۳ ضد رقابتی محسوب شده و ممنوع می‌باشد.^۴

اما چنانچه طرفین توافق، غیررقیب باشند، شرط تثبیت قیمت و یا تعیین حداقل قیمت خواه به صورت مستقیم انجام گیرد و خواه غیرمستقیم، ضد رقابتی و ممنوع می‌باشد، ولی وضع محدودیت نسبت به تعیین حداکثر قیمت و یا ارایه قیمت‌های توصیه‌ای ذاتاً ممنوع نخواهند بود.^۵

۷. شرط واگذاری متقابل^۶

شرطی است که به موجب آن مجوز گیرنده موظف و متعهد می‌شود که زمینه بهره‌برداری از پیشرفت‌های خود را در خصوص فن‌آوری موضوع قرارداد برای مجوز دهنده فراهم نماید.

۱. بند ۱۷۶ راهنما.

۲. بند ۱۷۵ راهنما.

۳. مثل اینکه مشروط علیه به تبعیت از قیمت مورد توافق تشویق شده یا در صورت تخطی از آن، تهدید شود و یا پیش‌بینی افزایش عوض (حق امتیاز) در صورت کاهش قیمت از مبلغ مقرر.

۴. بند ۷۹ راهنما.

۵. قسمت (الف) بند ۲ ماده ۴ آیین نامه و بند ۹۷ راهنما.

6. Grand back (Rétrocession)

پیشرفت‌های ناظر بر فن‌آوری موضوع قرارداد به دو صورت قابل تفکیک و غیرقابل تفکیک قابل تقسیم است. پیشرفت زمانی قابل تفکیک است که بهره‌برداری از آن بدون نیاز به فن‌آوری موضوع قرارداد ممکن باشد.^۱

شرط واگذاری متقابل انحصاری یا غیرانحصاری پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر و همچنین تعهد به انتقال آن در شمول بند ۱ ماده ۸۱ معاهده رم قرار نگرفته و مخل رقابت نیست، چرا که بهره‌برداری مجوز گیرنده از آن بدون اجازه مجوز دهنده عملاً ممکن نمی‌باشد.^۲ اما جواز یا ممنوعیت شرط واگذاری متقابل پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر و نحوه برخورد قواعد رقابت با آن قابل بررسی است.

نظر به اینکه بر اساس این شرط، هر گونه توسعه و پیشرفتی در فن‌آوری به جواز دهنده انتقال خواهد یافت، انگیزه و رغبت وی در انعقاد قرارداد بیش‌تر شده و از این حیث انتقال و اشاعه فن‌آوری بهتر و راحت‌تر انجام می‌گیرد. با این حال، این شرط ممکن است انگیزه جوازگیرنده را برای تحقیق و توسعه کاهش داده و اثر ضد رقابتی داشته باشد. به همین دلیل شرط واگذاری متقابل نه توسط آیین‌نامه به طور کامل ممنوع اعلام شده و نه در فهرست معافیت‌های جمعی قرار گرفته است، بلکه باید آنها را به طور موردی بررسی کرد.

قسمت‌های (الف) و (ب) بند ۱ ماده ۵ آیین‌نامه به بیان شرط واگذاری متقابل پیشرفت‌های قابل تفکیک اختصاص دارد. در قسمت (الف)، تعهد مجوز گیرنده مبنی بر اعطای اجازه بهره‌برداری از پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر به مجوز دهنده یا شخص ثالثی که از ناحیه او معرفی می‌شود، مورد اشاره واقع شده و قسمت (ب) ماده فوق به تعهد مجوز گیرنده به واگذاری و انتقال^۳ تمام یا بخشی از حقوق خود نسبت به پیشرفت‌های قابل تفکیک از فن‌آوری موضوع قرارداد به مجوز دهنده یا شخص ثالث مدنظر وی اشاره کرده است.

1. une amélioration est dissociable dès lors qu'elle peut être exploitée sans empiéter sur la technologie concédée.

2. بند ۱۰۹ راهنما.

3. Assignment

لزوم رعایت قواعد حقوق رقابت در قراردادهای انتقال و اجازه بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی در حقوق ایران

در این بخش موضوع را در حقوق ایران بررسی کرده، نخست وضعیت حقوق رقابت را در مقررات عمومی مورد مطالعه قرار داده، در ادامه به طرح قانون جدید اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) می‌پردازیم.

مقررات عمومی

در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)، مقررات خاصی به منظور حمایت از رقابت وجود نداشت. در سابق قانون مجازات عمومی برای اشخاصی که در جریان رقابت، به اقدامات مکارانه و نامشروع دست می‌زدند، مجازات تعیین کرده بود (مواد ۲۴۴ و ۲۴۹ که با اندک تغییراتی در مواد ۱۲۱ تا ۱۲۵ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۶۲ انعکاس یافت). اما متأسفانه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، چنین مقرراتی که می‌توانستند در کاهش اقدامات مخالف با رقابت منصفانه مؤثر باشند، حذف شدند.

تنها مقرراتی که از عموم و اطلاق آنها می‌توان در برابر رقابت نامشروع و غیرمنصفانه استفاده کرد، مواد ۱ و ۸ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ می‌باشد. ماده ۱ مقرر می‌دارد: «هر کسی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» ماده ۸ هم بیان می‌دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسؤول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشار مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت، مشتریان کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه کند».

قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)

با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون پاریس^۱ و مفاد بند ۱ ماده ۱۰ مکرر آن مبنی بر اقدام کشورهای عضو به تأمین حمایت واقعی اتباع اتحادیه در مقابل رقابت نامشروع^۲ و همچنین قرار گرفتن در آستانه الحاق به سازمان جهانی تجارت و لزوم پای‌بندی به مقررات موافقت‌نامه^۳ راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۴، پیش‌بینی مقرراتی در این زمینه ضروری است.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی در فصل سوم از بخش اول خود با عنوان «رقابت پذیری اقتصادی» لزوم تصویب مقررات جامعی را در خصوص رقابت پیش‌بینی کرده است. ضمن اینکه ماده ۳۵ قانون برنامه سوم نیز دولت را به لغو انحصارات و جلوگیری از فعالیت‌های انحصارگرانه مکلف کرده است.

در بند (الف) ماده ۳۸ و بند (الف) ماده ۴۰ قانون برنامه چهارم توسعه به تکلیف دولت در خصوص تدوین لایحه تسهیل رقابت و کنترل فعالیت‌های انحصاری اشاره شده است. به علاوه در بند (ه) ماده ۴۱ این قانون دولت موظف شده است که به منظور بهبود فضای کسب و کار در کشور و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی و تعامل با جهان پیرامون نسبت به تهیه «لایحه جامع تسهیل رقابت و کنترل و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات» و تقدیم آن به مجلس در سال نخست برنامه چهارم (حداکثر تا پایان سال ۱۳۸۴) اقدام نماید.

خوشبختانه در چند سال اخیر با بهره‌مندی از تجربه کشورهای متعدد، فعالیت‌های ارزشمندی در خصوص تهیه پیش‌نویس قانون راجع به رقابت^۴ توسط وزارت بازرگانی^۵

۱. ایران در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۵۹ (۲۳ آذر ماه ۱۳۳۸) به این کنوانسیون ملحق شده است.

۲. بند ۱ ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس: «کشورهای عضو اتحادیه مکلفند حمایت واقعی اتباع اتحادیه را در مقابل رقابت نامشروع (رقابت مکارانه) تأمین کنند».

۳. طبق بند ۲ ماده ۸ این موافقت‌نامه «به منظور جلوگیری از سوء استفاده دارندگان حق مالکیت فکری از این حق و همین‌طور پرهیز از توسل به روش‌هایی که به گونه‌ای غیر معقول تجارت را محدود می‌سازد یا بر انتقال بین المللی فناوری اثر منفی دارند، ممکن است اتخاذ اقدامات مقتضی به شرط مطابقت با مقررات موافقت‌نامه حاضر ضرورت یابد».

۴. برای تهیه این لایحه، چارچوب حقوقی قانون رقابت در کشورهای آمریکا، فرانسه، ژاپن، هند، انگلستان، کانادا، لهستان، تایوان، اندونزی، ایتالیا، سوئد، کره جنوبی و ترکیه و قانون اتحادیه اروپا و قانون نمونه آنکتاد (کنفرانس سازمان ملل در خصوص تجارت و توسعه) مورد مطالعه واقع شده است.

۵. مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۹ هیأت وزیران تهیه و تدوین لایحه مذکور بر عهده وزارت بازرگانی قرار گرفته است.

صورت گرفته است که نتیجه آن به صورت لایحه «مقررات تسهیل کننده رقابت و ضوابط مربوط به کنترل و جلوگیری از شکل گیری انحصارات» در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۱ تقدیم مجلس شده و توسط مرکز پژوهش‌ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مورد مطالعه و بررسی و اظهار نظر کارشناسی قرار گرفته و هر چند به شکل مستقل نهایی نشده و به صورت قانون لازم الاجرا در نیامده است، ولی مفاد آن در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ لحاظ شده است.^۱

در ادامه مطالب با اشاره به برخی از مواد قانون مزبور، به بررسی مقررات آن در خصوص شروط و محدودیت‌های ضد رقابتی موجود در قراردادهای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی و ضمانت اجرای آن می‌پردازیم.

ماده ۵۱ قانون مقرر می‌دارد: «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری نباید موجب نقض مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون شود. در این صورت شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند:

الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری؛

ب) منع طرف قرارداد، توافق یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن؛

ج) ابطال قراردادهای، توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثر نبودن تدابیر موضوع بندهای (الف) و (ب) این ماده.^۲

مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون در زیر فصل نهم با عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» قرار دارند. ما در این مقال با توجه به ارتباط بیش‌تر مواد ۴۴ و ۴۵^۳ به موضوع بحث به ذکر و توضیح این دو بسنده می‌کنیم.

۱. برای مطالعه در خصوص فرآیند تدوین لایحه مزبور رک: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، لایحه قانون رقابت، مبانی نظری و تجربه کشورها، ص ۲۴۴ به بعد.

۲. متن این ماده قبلاً در ماده ۱۳ لایحه تنظیمی توسط دولت مقرر شده بود که پس از اظهار نظر مرکز پژوهش‌های مجلس و کمیسیون اقتصادی شماره ماده حاوی حکم بالا به ۱۱ تغییر کرد.

۳. مفاد این دو ماده به ترتیب در مواد ۴ و ۵ لایحه پیش‌بینی شده بودند.

ماده ۴۴ قانون در خصوص رویه‌های ضد رقابتی اعلام می‌نماید: «هر گونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به دنبال داشته باشد به نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد، ممنوع است.

۱. مشخص کردن قیمت‌های خرید یا فروش کالا یا خدمت و نحوه تعیین آن در بازار به طور مستقیم یا غیرمستقیم؛

۲. محدود کردن یا تحت کنترل درآوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت در بازار؛

۳. تحمیل شرایط تبعیض‌آمیز در معاملات همسان به طرف‌های تجاری؛

۴. ملزم کردن طرف معامله به عقد قرارداد با اشخاص ثالث یا تحمیل کردن شروط قرارداد به آنها؛

۵. موکول کردن انعقاد قرارداد به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف‌های دیگر که بنابر عرف تجاری با موضوع قرارداد ارتباطی ندارد؛

۶. تقسیم یا تسهیم بازار کالا یا خدمت بین دو یا چند شخص؛

۷. محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد، توافق یا تفاهم به بازار.

بر اساس ماده ۵۱ قانون فوق قراردادهای «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی تحت شمول ماده ۴۴ قرار گرفته و از مصادیق «قرارداد» مذکور در صدر این ماده می‌باشند. بنابراین چنانچه قرارداد ناظر بر مالکیت فکری از جمله قرارداد «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی، اثر ضد رقابتی داشته و یکی از موارد مذکور در بندهای هفتگانه ماده ۴۴ را به دنبال داشته باشد، خلاف مقررات و اصول ناظر بر رقابت تلقی شده و ممنوع می‌باشد. ابطال چنین قراردادهایی توسط شورای رقابت با استناد به بند (ج) ماده ۵۱ منتفی نخواهد بود.

نکته مهمی که در خصوص ماده ۴۴ قابل ذکر است، اینکه اولاً اشاره صدر ماده به عبارات «قرارداد»، «توافق» و «تفاهم» الزاماً به معنای تفکیک حقوقی آنها و اختصاص و ارایه تعریف جداگانه برای هر کدام از این عبارتها نیست، بلکه از آنجایی که جنبه تجاری و اقتصادی رقابت در تمام مواد قانون بر صبغه حقوقی آن حاکم و غالب می‌باشد، هدف از ذکر واژه‌های متعدد که بعضاً از لحاظ معنا و مفهوم لغوی و حقوقی همپوشانی دارند،

جامعیت قانون و جلوگیری از محدود کردن دامنه اجرایی آن توسط اشخاصی است که از اجرای آن متضرر خواهند شد.

ثانیاً عدم ممنوعیت ذاتی قراردادهایی که یک یا چند اثر مذکور در بندهای هفت‌گانه ماده ۴۴ را به دنبال دارند. به عبارت دیگر، قانون قراردادهای متضمن یک یا چند مورد از محدودیت‌های مذکور در ماده ۴۴ را ممنوع فرض نکرده است و بر این اعتقاد نیست که بدون نیاز به بررسی مفاد این توافقات می‌توان آنها را ممنوع اعلام کرد، بلکه برای منع چنین توافقی‌هایی دو شرط را ضروری می‌داند: نخست اینکه قرارداد حاوی یکی از محدودیت‌های مذکور باشد و دوم در رقابت اثر سوء داشته و موجب اخلال در آن شود. بنابراین صرف درج یکی از این محدودیت‌ها در قرارداد موجب ممنوعیت آن نخواهد بود، بلکه چنانچه قرارداد متضمن این شرط منجر به اخلال در رقابت گردد، ممنوع اعلام شده و زمینه برای دخالت شورای رقابت و اعمال ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۱ قانون فراهم می‌آید. نتیجه اینکه برای اجرای ماده ۴۴ قانون نه تنها توجه به مفاد قرارداد به منظور بررسی محتوا و شروط مندرج در آن در جهت احراز شرط نخست ضروری است، بلکه توجه به شرایط و وضعیت بازار، تجزیه و تحلیل آن و تعیین میزان اثرگذاری قرارداد در رقابت در جهت احراز شرط دوم نیز لازم است.

شرط تثبیت قیمت یا تعیین و تحمیل حداقل و یا حداکثر قیمت فروش چه بطور مستقیم انجام گیرد و چه غیرمستقیم مشمول بند ۱ ماده ۴۴ بوده و در صورت اثرگذاری در رقابت موجب ممنوعیت قرارداد انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی می‌باشد. تعیین حداقل یا حداکثر میزان تولید یا فروش کالا و یا تعیین دقیق آن با استناد به بند ۲ ماده فوق می‌تواند ضد رقابتی و ممنوع اعلام شود.

با هم فروشی و منوط کردن عقد قرارداد به پذیرش تعهد اضافی غیر مرتبط با موضوع قرارداد، مشمول بند ۵ ماده ۴۴ و ممنوع می‌باشد.

انعقاد قرارداد انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی به صورت انحصاری می‌تواند موجب تقسیم بازار و اختصاص بخشی از آن به شخص یا اشخاصی خاص شده، امکان دسترسی دیگران را به بازار محدود و یا غیر ممکن سازد. بنابراین چنین قراردادی می‌تواند مشمول بندهای ۶ و ۷ ماده ۴۴ بوده و چنانچه اثر منفی در رقابت ایجاد کند، ممنوع باشد. به طور کلی، هر گونه توافقی که منجر به تقسیم بازار شود، از جمله شرط

محدودیت سرزمینی برای تولید یا فروش می‌تواند به علت اخلال در رقابت با استناد به بندهای ۶ و ۷ ماده ۴۴ قانون ممنوع شود.

در ماده ۴۵ اعمالی ذکر شده است که چنانچه منجر به اخلال در رقابت شوند، ممنوع خواهند بود.^۱ این رویه‌ها عبارتند از: «استنکاف از معامله و احتکار، قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز، تبعیض در شرایط معامله، قیمت‌گذاری تهاجمی، اظهارات گمراه‌کننده (اعم از شفاهی، کتبی و یا عملی)، فروش یا خرید اجباری، عرضه کالا یا خدمت غیراستاندارد، مداخله در امور داخلی و یا معاملات بنگاه یا شرکت رقیب، سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط، محدود کردن قیمت فروش مجدد و کسب غیرمجاز و سوء استفاده از اطلاعات و موقعیت اشخاص».

موارد مذکور در ماده ۴۵ الزاماً ضدرقابتی محسوب نشده و ممنوع نخواهند بود، بلکه برای اعلام ممنوعیت هر کدام از این موارد، باید وضعیت بازار و میزان اثرگذاری این اعمال را بررسی کرد.

تفاوت ماده ۴۵ با ماده ۴۴ قانون در این است که موارد ضد رقابتی و ممنوع مذکور در ماده ۴۴ مبتنی بر توافق بوده و منوط به وجود دو اراده است، در حالی که غالب موارد مطرح شده در ماده ۴۵ می‌تواند توسط یک اراده اعمال شود.

هر چند محدودیت فروش مرتبط (با هم فروشی) در بند ۵ ماده ۴۴ ذکر شده است، بند (و) ماده ۴۵ نیز به آن اشاره کرده است. طبق قسمت ۱ بند (و) ماده ۴۵ «منوط کردن فروش یک کالا یا خدمت به خرید کالا یا خدمت دیگر یا بالعکس» و طبق قسمت دوم این بند «وادار کردن طرف مقابل به معامله با شخص ثالث به صورتی که اتمام معامله به عرضه یا تقاضای کالا یا خدمت دیگری ارتباط داده شود.» غیرمنصفانه محسوب شده و در صورت اخلال در رقابت ممنوع می‌باشد.

۱. صدر ماده ۵ لایحه به گونه ای تدوین شده بود که تمام موارد مذکور در این ماده غیر منصفانه فرض می شدند. طبق این قسمت از ماده «اعمال بازرگانی غیر منصفانه ذیل که منجر به اخلال در رقابت می شود ممنوع است.» این قید از مفاد صدر ماده ۴۵ قانون حذف شده است.

قسمت ۳ بند فوق با غیرمنصفانه دانستن معامله انحصاری، «معامله با طرف مقابل با این شرط که طرف مذکور از انجام معامله با رقیب امتناع ورزد» را در صورت اثرگذاری سوء در رقابت ممنوع می‌داند.

هم‌چنین قسمت ۲ بند (الف) ماده ۴۵ اعمال محدودیتی را که به موجب آن طرف معامله از انعقاد قرارداد با اشخاص رقیب منع گردد، از اقسام استتکاف از معامله و غیرمنصفانه دانسته است. بنابراین چنانچه در قرارداد «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی، منتقل‌الیه یا مجوز گیرنده ملزم به عدم رقابت با انتقال دهنده یا اعطا کننده مجوز شود و بر اساس این شرط نتواند با رقبای وی اقدام به انعقاد معامله نماید، شرط محدود کننده مذکور مصداق قسمت ۳ بند (و) ماده ۴۵ و هم‌چنین قسمت ۲ بند (الف) ماده ۴۴ بوده و در صورت اخلاف در رقابت ممنوع می‌باشد. یکی از طرق اجبار و «وادار کردن اشخاص به استتکاف از معامله» مذکور در قسمت ۲ بند (الف) ماده ۴۴ درج چنین محدودیتی به صورت شرط ضمن عقد است که موضوع قسمت ۳ بند (و) ماده ۴۵ قانون است. بنابر این از این حیث می‌توان مقررۀ نخست را اعم از مورد اخیر دانست.

نظر به اینکه به موجب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳ (از جمله بند (الف) ماده ۵ و ماده ۳۱)^۱ صاحب پدیده صنعتی دارای حق انحصاری بوده که به موجب آن نه تنها می‌تواند در مال خود تصرف کند، بلکه قادر خواهد بود، دیگران را از تصرف در آن باز دارد، در قراردادهای راجع به مالکیت صنعتی دارنده حق انحصاری در موقعیتی ممتاز و مسلط قرار داشته، امکان سوء استفاده وی از این وضعیت مسلط منتفی نخواهد بود؛ وی می‌تواند در انعقاد قرارداد «انتقال» و یا «اجازه بهره‌برداری» که از روش‌های اعمال حق انحصاری وی است، از موقعیت برتر خود سوء استفاده نموده، شروط و محدودیت‌های نامتعارف و غیرمنصفانه‌ای را بر طرف قرارداد تحمیل نماید. به همین دلیل بند (ط) ماده ۴۵ قانون «سوء استفاده از وضعیت اقتصادی

۱. قسمت ۲ بند (الف) ماده ۵ لایحه: «وادار کردن اشخاص دیگر به استتکاف از معامله و یا محدود کردن معاملات آنها با رقیب».

۲. بند (الف) ماده ۵: «حقوق اختراع ثبت شده منحصرأ به مخترع تعلق دارد».

۳. ماده ۳۱: «حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد».

مسلط» را از اعمال بازرگانی غیرمنصفانه دانسته و آن را در صورت اخلال در رقابت، ممنوع اعلام کرده است.

طبق قسمت ۲ بند مذکور «تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه» از روش‌های سوء استفاده از موقعیت برتر اقتصادی است که به موجب آن شرایطی را در خصوص حداقل یا حداکثر قیمت، میزان تولید یا عرضه، محدودیت‌های سرزمینی و منع معامله با رقبا برطرف قرارداد تحمیل می‌کند.

در واقع شخصی که از موقعیت برتر بهره‌مند است، می‌تواند با تکیه بر این موضع و با توسل به زور محدودیت‌هایی را که اصولاً امکان درج و پذیرش آن به صورت شرط ضمن عقد وجود دارد، بر طرف مقابل تحمیل نماید. مسلماً چنین شرطی به علت عدم مخالفت با قانون و مغایر نبودن با قواعد حاکم بر شرایط اساسی صحت معاملات از جمله قصد و رضای طرفین نافذ است، ولی از حیث ضد رقابتی بودن صحت آن می‌تواند مخدوش شود. در هر حال، چنانچه قرارداد «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی متضمن شرط یا محدودیتی باشد که در اثر سوءاستفاده طرف قرارداد از موقعیت مسلط اقتصادی خود بر طرف مقابل تحمیل شده است، نه تنها خود این شرط می‌تواند فی نفسه و با استناد به مواد دیگر قانون ممنوع و ضد رقابتی باشد، از این نظر هم که از راه سوء استفاده از موضع برتر بر طرف ضعیف تحمیل شده است، غیرمنصفانه و مخل رقابت محسوب می‌شود. مثلاً فروش متقابل (با هم فروشی) عملی است ضد رقابتی که با استناد به بند ۵ ماده ۴۴ و قسمت ۱ بند (و) ماده ۴۵ غیرمنصفانه محسوب است، اگر این محدودیت در اثر سوء استفاده از موقعیت مسلط برطرف دیگر تحمیل شده باشد، امکان استناد به قسمت ۵ بند (ط) ماده ۴۵^۱ نیز برای غیرمنصفانه اعلام کردن آن وجود دارد.

شرط واگذاری متقابل یکی از محدودیت‌هایی است که در قراردادهای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی درج می‌شود و به موجب آن انتقال دهنده یا اعطا کننده مجوز حق استفاده از پیشرفت‌های طرف قرارداد در فن‌آوری موضوع معامله را به دست می‌آورد. به عبارت دیگر، به موجب این شرط، منتقل‌الیه یا مجوز گیرنده ملزم

۱. قسمت ۵ بند (ط) ماده ۴۵: «مشروط کردن قراردادها به پذیرش شرایطی که از نظر ماهیتی یا عرف تجاری ارتباطی با موضوع چنین قراردادهایی نداشته باشد.»

می‌شود که پیشرفت‌هایی را که نسبت به موضوع قرارداد توسط وی ایجاد می‌شود، به طرف معامله منتقل کرده یا اجازه استفاده از آن را به وی اعطا نماید.

از آنجایی که ممکن است که این شرط انگیزه مشروط علیه را در ابداع و نوآوری کاهش دهد، می‌تواند محدود کننده رقابت باشد، ولی صراحتاً تحت شمول هیچ یک در ممنوعیت‌های مذکور در قانون قرار نمی‌گیرد، مگر اینکه درج آن ناشی از سوء استفاده از موقعیت اقتصادی مسلط باشد.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، با استناد به ماده ۵۱ قانون، مواد ۴۴ و ۴۵ در خصوص قراردادهای «انتقال» و «اجازه بهره‌برداری» از حقوق مالکیت صنعتی نیز لازم‌الاجرا هستند. بنابراین اگر قراردادی مشمول ماده ۴۴ و یا ۴۵ قرار گرفته و به دلیل اخلاف در رقابت ممنوع اعلام شود، شورای رقابت می‌تواند با استناد به ماده ۵۱ به منظور اعمال ضمانت اجرای مناسب تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. ضمانت اجرای مذکور در این ماده در ۳ بند به شرح ذیل تنظیم شده است:

الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری؛

ب) منع طرف قرارداد، توافق یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن؛

ج) ابطال قراردادهای، توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثر نبودن تدابیر موضوع بندهای (الف) و (ب) این ماده.

تمام ضمانت‌های اجرای مذکور در خصوص قراردادهای انتقال و بهره‌برداری از حقوق مالکیت صنعتی قابل اجرا است.

طبق ماده ۵۱ «شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند.» بنابراین امکان اعمال چند ضمانت اجرا با هم وجود دارد مثلاً شورای رقابت می‌تواند از اجرای مفاد قرارداد (مثلاً توزیع کالایی با علامت معین که موضوع قرارداد «انتقال» یا «اجازه بهره‌برداری» از آن علامت است) به طور موقت و برای مدتی معین جلوگیری نموده و مدت اعتبار قرارداد را کاهش دهد (بند الف) و یا در صورت انعقاد قرارداد «انتقال» به طور انحصاری که به موجب آن منتقل‌الیه محدود به فعالیت در قلمرو جغرافیایی معین

شده و به تقسیم بازار انجامیده است (بند ۶ ماده ۴۴ قانون)، انحصار مشروط در قرارداد را منتفی سازد (بند ب).

ضمانت‌های اجرای مذکور در بندهای (الف) و (ب) در عرض هم بوده و امکان اجرای هر کدام از آنها به تنهایی یا جمع آنها توسط شورای رقابت وجود دارد، ولی زمانی شورای رقابت می‌تواند قرارداد را ابطال نماید (بند ج) که اعمال ضمانت‌های اجرای مندرج در بندهای (الف) و (ب) را غیرمؤثر تشخیص دهد. به عبارت دیگر، ابطال قرارداد زمانی ممکن است که شورای رقابت اعمال و اثر بخشی ضمانت‌های اجرای مندرج در دو بند پیشین را بررسی کرده و آنها را برای جلوگیری از اخلاف در رقابت که در اثر اجرای قراردادهای متضمن محدودیت غیرمنصفانه و ضد رقابت، ایجاد می‌شود، کافی نداند.

مسأله اعطای مجوز اجباری از طرف مرجع ذیصلاح قضایی یا اداری از اقدامات مناسبی است که به منظور متوقف ساختن رویه ضد رقابتی به عمل می‌آید، ولی قانون هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده است. توضیح اینکه با توجه به وجود حق بهره‌برداری انحصاری برای دارنده حق مالکیت صنعتی ممکن است دارنده شخصاً از موضوع حق بهره‌برداری نکرده و به فراهم سازی زمینه برای بهره‌برداری دیگران از آن نیز اقدام ننماید؛ یعنی نه تنها خود به تجاری سازی موضوع مالکیت و وارد ساختن آن به جامعه (مثلاً از طریق تولید فن‌آوری موضوع ورقه اختراع) اقدام نمی‌کند، بلکه امکان تجاری سازی آن را نیز از طریق انعقاد قرارداد برای دیگران فراهم نمی‌سازد. چنین رفتاری می‌تواند یکی از مصادیق سوء استفاده از موقعیت مسلط اقتصادی بوده، به عنوان یک عمل ضد رقابتی قلمداد شود. ولی این موضوع در بند (ط) ماده ۴۵ قانون مورد اشاره واقع نشده است.

اگر دارنده حق مالکیت صنعتی خود موضوع حق را مورد بهره‌برداری قرار نداده و دیگران را هم مجاز به بهره‌برداری ننماید، مرجع صالح می‌تواند تحت شرایطی به اعطای مجوز اجباری اقدام نماید. توضیح اینکه هر چند قوانین مربوط به مالکیت صنعتی جنبه حمایتی داشته، با اعطای حق انحصاری از صاحبان این پدیده‌ها حمایت می‌کند، ولی نفع جامعه و بهره‌مندی افراد بشر از ابداعات و نوآوری‌های علمی هم مطمح نظر قرار گرفته است. بنابر این با لحاظ این دو منفعت قوانین اجازه نمی‌دهند که صاحبان حقوق مالکیت صنعتی با سوءاستفاده از حق و موقعیت برتر خویش از تجاری سازی و تولید انبوه کالای

تحت مالکیت خود اجتناب کرده، مانع برخورداری جامعه از آن شوند. این موضوع در کنوانسیون پاریس مورد اشاره واقع شده و به عنوان یکی از راههای جلوگیری از سوء استفاده صاحب ورقه اختراع از حق انحصاری خود قلمداد شده است. قسمت ۲ بند (الف) ماده ۵ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اختیار دارد که تدابیر قانونی به منظور الزام در اعطای امتیاز بهره‌برداری از حق اختراع را پیش‌بینی نماید تا بدین وسیله از سوءاستفاده‌های ناشی از حق اختراعی که واگذار شده است و ممکن است به وسیله صاحب اختراع اعمال شود، جلوگیری گردد. مثل عدم اقدام در بهره‌برداری از اختراع ثبت شده.»

علاوه بر کنوانسیون پاریس موضوع اعطای مجوز اجباری در خصوص اختراع ثبت شده در ماده ۳۱ موافقت نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۱ نیز به تفصیل بیان شده است.

بنابراین عدم اقدام در بهره‌برداری از اختراع ثبت شده می‌تواند از موارد سوء استفاده صاحب اختراع از حق (امتیازی) باشد که به موجب قانون به او داده شده و او را در موقعیت مسلط قرار داده است. به منظور جلوگیری از این اقدام، قوه حاکمه می‌تواند به اعطای مجوز اجباری مبادرت نماید. بنابراین اعطای مجوز اجباری یکی از ضمانت‌های اجرای اقدام ضد رقابتی دارنده حق اختراع محسوب می‌شود و مناسب است که این مورد در ماده ۵۱ قانون مورد اشاره واقع شود. ضمن اینکه شایسته است، خودداری از اعمال حق مالکیت فکری خصوصاً حق ناشی از ثبت اختراع به عنوان مصداقی از موارد سوء استفاده از موقعیت اقتصادی مسلط مطرح و در بند (ط) ماده ۴۵ قانون مورد تصریح واقع شود.

هر چند قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) که بیان‌کننده مقررات مربوط به رقابت است به اعطای مجوز اجباری در خصوص ورقه اختراع اشاره نکرده، ولی این موضوع در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجارتي مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳ مجلس شورای اسلامی مورد توجه قانون‌گذار واقع شده است. طبق بند (الف) ماده ۱۷ این قانون یکی از مواردی که موجب می‌شود، دولت یا

1. Trade Related aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs).

شخص ثالث بتواند از اختراع بدون موافقت مالک آن بهره‌برداری نماید، زمانی است که «بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او مغایر با رقابت آزاد» می‌باشد.

نتیجه

حقوق انحصاری مالکان پدیده‌های فکری می‌تواند به عنوان یک عامل ضد رقابتی باعث شکل‌گیری بازار انحصاری و مانع ورود دیگران به بازار شود. بنابراین تصور اینکه حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری دارای دو هدف متضاد هستند، دور از منطق نیست. با وجود این تضاد بین هدف حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری، ظاهری است که با نگاه عمیق‌تر از بین می‌رود. در این زمینه توجه به چند نکته ضروری است. نخست آنکه انحصار فی‌نفسه مخل رقابت و مضر به رفاه اجتماعی نیست. دوم اینکه وجود انحصار دولتی در حقوق مالکیت فکری هم منافع صاحب حق را تأمین می‌کند و هم منافع اشخاص که این پدیده‌ها را دریافت کرده، مورد استفاده قرار می‌دهند. ضمن اینکه رفاه اجتماعی و پیشرفت فرهنگی و توسعه علوم و فن‌آوری نیز مدیون وجود این انحصار است. نکته سوم اینکه هدف حقوق رقابت در تمامی موارد نفی و حذف کامل انحصار نیست، بلکه در برخی موارد کنترل انحصار مورد توجه حقوق رقابت است، به گونه‌ای که صاحب حق انحصاری نتواند از این امتیاز و قدرت برتر خود در جامعه سوء استفاده نماید. به عبارت دیگر، انحصار زمانی مضر به اقتصاد جامعه و غیرقابل قبول است که اعمال آن به صورت فعالیت‌های ضد رقابتی انجام گیرد. بنابراین به منظور جلوگیری از سوء استفاده مالکان پدیده‌های فکری از حق انحصاری و موقعیت مسلط خود دخالت دولت در وضع مقررات آمره، تهیه و اعمال ضمانت‌های اجرای شدید و محدود کردن اصل آزادی قراردادی مناسب و حتی ضروری به نظر می‌رسد. اتحادیه اروپا که بسیاری از کشورهای عضو آن صنعتی بوده و در خلق پدیده‌های فکری به ویژه فن‌آوری پیشگام هستند، با وضع مقررات رقابت و الزام کشورهای عضو به رعایت آن، کنترل اراده متعاقدان را در انعقاد قراردادهای ناظر بر پدیده‌های صنعتی در دست گرفته، از نقض قواعد تجارت آزاد از ناحیه صاحبان حق انحصاری ممانعت می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. خدایاریان، قاسم؛ جهانگردی، نصرالله (۱۳۸۴)، "مالکیت معنوی؛ ویژگی‌ها و کاربردها"، چ ۱، تهران، وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات، دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
۲. ریبولد، د. م؛ فیث، آیسون (۱۳۷۵)، "حقوق تطبیقی انحصار؛ بررسی و مقایسه چهار سیستم حقوقی آلمان، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و جامعه اروپا"، ترجمه عزت‌الله شهید، چ ۱، ۱، تهران، معاونت امور مناطق و مجلس سازمان برنامه و بودجه.
۳. ریبولد، د. م؛ فیث، آیسون (۱۳۷۵)، "حقوق تطبیقی انحصار؛ بررسی و مقایسه چهار سیستم حقوقی آلمان، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و جامعه اروپا"، ترجمه عزت‌الله شهید، چ ۱، ۲، تهران، معاونت امور مناطق و مجلس سازمان برنامه و بودجه.
۴. ساموئلسن، بل؛ هاوس، نورد (۱۳۸۴)، "اصول علم اقتصاد"، چ ۱، ترجمه مرتضی محمدخان، چ ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۴)، "حقوق رقابت تجارتنی و نقش آن در سیاست‌گذاری و تنظیم بازار"، چ ۱، تهران، انتشارات فردوسی.
۶. سوریانس، تینا (۱۳۸۶)، "تاثیر اعمال و رفتارهای محدود کننده تجاری بر انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. شکوهی، مجید (۱۳۸۱)، "حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا"، چ ۱، تهران، نشر میزان.
۸. عبادی، جعفر (۱۳۷۰)، "مباحثی در اقتصاد خرد، بازارها، تعامل عمومی و رفاه اقتصادی"، چ ۱، تهران، سمت.
۹. قنادان، محمود (۱۳۸۶)، "کلیات علم اقتصاد"، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. محمودی، اصغر (۱۳۸۶)، "ویژگی‌های حقوق قرارداد مجوز بهره‌برداری از مالکیت صنعتی"، پایان‌نامه دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. معاونت امور مناطق و مجلس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)، "رقابت آزاد و انحصار؛ تجربه چند کشور"، چ ۲، ترجمه فروز آذرفر، چ ۱، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۱۲. معاونت امور مناطق و مجلس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)، "رقابت آزاد و انحصار؛ تجربه چند کشور"، چ ۱، ترجمه یحیی اردلان، حسین سقطچی، ابوالفضل علیزاده طباطبایی، فریدون معتمد وزیری، هادی میرخانی، علی مهدی‌پور و محمد نقوی، چ ۱، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۱۳. معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۴)، "لایحه قانون رقابت؛ مبانی نظری و تجربه کشورها"، چ ۱، تهران.

۱۴. میرحسینی، سیدحسن (۱۳۸۴)، "مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی"، ج ۱، تهران، نشر میزان.
۱۵. _____ (۱۳۸۵)، "فرهنگ حقوق مالکیت فکری"، ج ۱، ج ۱، تهران، نشر میزان.
۱۶. _____ (۱۳۸۵)، "فرهنگ حقوق مالکیت فکری"، ج ۲، ج ۱، تهران، نشر میزان.
۱۷. نیوجنت، نیل (۱۳۸۴)، "سیاست و حکومت در اتحادیه اروپا"، ترجمه محسن میردامادی، ج ۱، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
18. Agreement on trade-related aspects of intellectual property rights (1994), (TRIPs agreement).
19. Cini, Michelle, and Mc Gowan (Lee) (1998), "*Competition policy in the European Union*", Mac millan press LTD, London.
20. Commission regulation (EC) N. 772/2004 on the application of article 81(3) of the treaty to categories of technology transfer agreement.
21. Goyder (D.G.), EC competition law, 3st edition, Oxford, New York, 1998.
22. Guidline on the application of Article 81(3) of the treaty to technology transfer agreement.
23. Lane, (Robert) (2000), "*EC competition law*", Longman, London.
24. Mercier, Pierre, Mach, Olivier, Gilliéron (Hubert) et Affolter, Simon (1999), "*Grands principes du droit de la concurrence; droit communautaires, droit Suisse*", He-lbing et lichtenhahn, Genève.
25. Mousseron, Jean-Marc, et Delebecque, Claire, (1993), "*Brevet, encyclopedie communautaire Dalloz*", T. I, Avril.
26. Pollaud-Dulian, Frédéric, (1999), "*Droit de la propriété industrielle*", Montchréstien, Paris.
27. Poltorak, Alexander and Mashelkar Raghunath (2000), "*Intellectual property and competitive strategies in the 21st century*", Kluwer law international, New York.
28. Schmidt-Szalewski, Joanna, et Pierre (Jean-Luc) (2003), "*Droit de la propriété industrielle*", 3e édition, Litec, Paris.
29. WIPO (1996), "*Model provisions on protection against unfair competition : articles and notes*", Geneva.

